**آسیب شناسی مجالس مذهبی بانوان**

تقدیمی کوچک و بضاعتی حقیرانه به محضر:

آسمــان (تعالی اسمه)، بلندای رفیعش و مهربانی بی‌مانندش،حضرت باران (سلام‌الله علیها) و پدر و بعل و خاندانش،حضرت عشق (علیه‌السلام) و برادر و یاران باوفایش،حضرت بهار (عجل‌الله‌فرجه) و ظهور با طراوتش، حضرت روح‌خدا(رحمه‌الله‌علیه) و شهدایش، حضرت نائب (حفظه‌الله) و سربازانش.

امیدوارم مورد قبولتان باشد

مولای جمعه هایمان...

**چکیده**

حضرت جبرئیل روضه عطش پسرفاطمه رابرحضرت آدم می خواند وندای لبیک هارابه اویادآوری می کرد، تامعنای واقعی رشادت وعظمت ایمان اهل بیت را به آدم وفرزندانش گوشزدکرده باشد.

برگزاری مجالسی برای اهل بيت -عليهم السّلام -از ديرباز در فرهنگ شيعه ريشه داشته و از همان سال هاى آغازين پيدايش اسلام ، كار خود را شروع نموده است كه تاريخ به خوبى نمايان گر اين مسئله مى باشد و به عنوان يك رسالت تاريخى نسل به نسل تكرار گشته و به دست ما رسيده است .

وجود مداحی وسخنرانی های بزرگوارانی چون جبرئیل امین،حضرت زینب –سلام الله علیه - ،امام سجاد –علیه السلام- وجابربن عبدلله انصاری گویای اهمیت فراوان این مسئله می باشد.ودقت واهتمام زیادی برای حفظ آن لازم است؛ چراکه این مجالس مذهبی يكي از قوي ترين و كارآمدترين عوامل حيات دين و مكتب اهل بيت -عليهم السلام- در طول تاريخ بوده است و نقش بسيار مهمي را در حفظ و حراست و گسترش مكتب تشيع و نشر معارف اهل بيت – عليهم السلام - ايفا مي‌كنند.

درابتدای اسلام مجالس بیشتر مربوط به آقایان بود ومجلس مجزای بانوان کمتردیده می شد؛اماامروزه مجالس مذهبی برای ائمه به دست بانوان نیز تشکیل می شود،وقشر بانوان دراین مجالس بیشترحضورمی یابند،وبرای انواع مراسمات ولادت ها یا شهادت های ائمه –علیه السلام- جلسه ای راتشکیل می دهند.وبه این ترتیب بانوان نگهبان ومحافظ قوی برای ارزش های مذهبی ومعنوی دین به شمارمی آیند.

در این میان گاه خواسته یا ناخواسته این مجالس با آسیب هایی همراه شده است که نه تنها مجالس را از هدف اصلی خارج نموده بلکه گاه اصل آن را زیر سئوال برده است. بر این اساس آسیب شناسی مجالس عزاداری و آسیب زدائی از آنها بزرگ ترین خدمت به اسلام و تداوم آن می باشد. این آسیب هاممکن است درحیطه اعتقاد، اخلاق یااجتماعی ضربه مهلکی واردسازد.ازجمله آن انحراف، بدعت، غیبت،تجملگرایی ،مدگرایی و... می باشد. لذاضرورت براین است که آسیب های واردشده براین مجالس رابررسی کرد؛وراهکارهای مفیدی را ارائه داد،تاازاین آسیب ها بتوان جلوگیری به عمل آورد.

کلمات کلیدی:مجالس مذهبی،بانوان،آسیب شناسی،راهکار.

**بخش اول:کلیات**

**مقدمه**

تکلیف اجتماعی- مذهبی یک مسلمان ،مخصوص مردان نیست .زنان نیز بنابه تعهد دینی ومسلمانی خویش ، موظفند نسبت به جریانات مذهبی در جامعه مربوط به ائمه موضع داشته باشند.

ازجمله این جریانات مجالس مذهبي می باشد.که يكي از قوي ترين و كارآمدترين عوامل حيات دين و مكتب اهل بيت -عليهم السلام- در طول تاريخ بوده است و نقش بسيار مهمي را در حفظ و حراست و گسترش مكتب تشيع و نشر معارف اهل بيت – عليهم السلام - ايفا مي‌كنند، به گونه اي كه در دل خود از هر قشر و صنف و نژادي را جاي داده است و كارآمدترين پايگاه روشنگري عالمان ديني و خاستگاه فكري و معنوي انديشمندان و مبارزين و انقلابيون و جوانان حق جو و خداجو بوده است.

مهمترين اثر برگزاري مجالس عزاداري ، اين است كه جامعه انساني كه در پي مشكلات خويش از معنويت و صفاي باطن دور گشته ،لااقل براي‌مدتي حال و هواي ديگري بيابد و شيعيان در مدتي از زمان در جوي از معنويت و صفا قرار مي‌گيرند و سبب زنده سازي و احياي دل و تقويت ترس و اميد به رحمت الهي مي‌گردد تا در پي آن جامعه به سوي اصلاح و سازندگي معنوي و مادي ناب به پيش رود.

درمجالس مذهبی بانوان به دلیل داشتن احساسات قوی دچار آسیب های گوناگونی می شود.این آسیب در شکل های مختلفی مورد بررسی قرار می گیرد،امادراین جابه صورت اعتقادی ،اخلاقی واجتماعی مورد پژوهش قرارگرفته است.ازجمله این آسیب ها می توان به انحرافات ،خرافه ، بدعت،غیبت،مدگرایی ،تجمل گرایی و.... اشاره کرد.

عالمان ونویسندگان کتابهای مختلفی درجهت راهنمایی وارشادما دراین زمینه نوشته اند که اشاراتی درمورد تحریف،آسیب ها وبیشترعزاداری ومباحث مربوط به آن؛درآنها شده و باید با تعمل،پاسخ سوالات خودرادراین کتاب ها بیابیم.ازجمله این کتابهاشامل اصول کافی،بحارالانوار، حماسه حسینی شهیدمطهری ،رساله شور وشعور ،فرهنگ عزاداری و.... می باشد.دراین تحقیق مفهوم جلسه مذهبی بانوان،آسیب شناسی مجالس مذهبی به روش نقلی-وحیانی وبه شیوه توصیفی- تحلیلی ازنوع کتابخانه ای نوشته شده است.

**مفهوم شناسی**

**مفهوم مجالس مذهبی بانوان**

مجالس جمع مجلس به معنای نشستن وهمنشینی باافرادی می باشد مجالس مذهبی ،مجالسی است که مربوط به دین وشریعت می باشند و پایبند به آداب ورسوم هستند. علاوه بر حفظ مکتب اهل بیت عامل فوق العاده نیرومندی برای بیداری مردم و ضامن تداوم و بقای اسلام می باشد،مجالس عزاداری در طول تاریخ منشأ روشنگری و ره یابی به حقیقت بوده است؛اگر مجالس مذهبی نبود، شيعيان نمی توانستند به سان يك جامعه پر قدرت و پر نفوذ در كوران حوادث بنيان افكن و در نظام‌هاي جور و ستم دوام بياورند و حيات خود را ادامه بدهند .

درتاریخ مجالس مذهبی زیادی مشاهده می شود اما بی شک يكي از با شكوه ترين مراسم هاي مذهبي و آييني كه هرساله برپا مي شود، عزاداري براي سيد و سالار شهيدان حضرت اباعبدا ... الحسين (ع) و خاندان و ياران پاكش است.

مجالس مذهبی فقط مربوط به آقایان نیست بلکه بانوان نیز در این امر مهم حضور دارند ومجالس مذهبی مخصوص به خود راتشکیل میدهند. بانوان از کلمه بانو به معنای رئیسه ،ویاازکلمه بان به معنای حارس و حافظ و دارنده و امثال آن است.پس بانوان حافظ ونگه دارنده مهمی برای ارزش های مذهبی ومعنوی دین به شمارمی آیند.

در این میان گاه خواسته یا ناخواسته این مجالس با آسیب هایی همراه شده است که نه تنها مجالس را از هدف اصلی خارج نموده بلکه گاه اصل آن را زیر سئوال برده است. بر این اساس آسیب شناسی مجالس عزاداری و آسیب زدائی از آنها بزرگ ترین خدمت به اسلام و تداوم آن می باشد.

آسیب شناسی درلغت به معنای شناخت درد ورنج وخسارت است ودر اصطلاح یعنی شاخه‌اى از دانش اطلاق می‌شود که هدف آن شناخت بیماری‌هاى روانى، فردى و اجتماعى و نحوه تکوین، رشد و دگرگونى آنان است.

بخش دوم:آسیب های مجالس مذهبی بانوان

**آسیب های مجالس مذهبی بانوان**

یکی از نکات مسلم درحقایق هستی،این مطلب است که برای هرچیزی آفتی وجود دارد؛همانطورکه آفت دانش نسیان وفراموشی،آفت دوستی خیانت وآفت راستی دروغ گفتن ... بنابراین شناختن آفت اشیاء که به منزله پیراستن عنوان مدنظر وحقیقت موردتوجه از کسری وکاستی است،امری بدیهی می نماید.

مسئله آسیب شناسی ازنکات بارز وموردتوجه موکد درآموزه های الهی واخلاقی است که همواره ازسوی اولیاء دین برآن پافشاری شده است.حال باتوجه به این پیشینه اگرچه آسیب شناسی مباحثی مربوط به عزاداری از زوایای مختلف موردتوجه وتعمق است ولی باعنایت به موجز بودن این نوشتار ومراعات مقتضای حال به اهم آن دریک فصل اشاره می شود.

محافل و مجالس مذهبي چشمه­های زلال جوشاني هستند كه بايد از آن­ها به شدت مراقبت و محافظت شود تا آفت و آسيبي نبينند و به درستي بتوانند رسالت خود را انجام داده و تشنگان حقيقت را از اقيانوس كران ناپيداي معارف اهل بيت سيراب نمايند و بر شيعيان و محبين امام علي -عليه السلام- لازم است كه اين هشدار سازنده و راه­گشاي حضرتش كه **«لكلّ شيء آفة،براي هر چيزي آفتي است** [[1]](#footnote-1)**»** را جدي گرفته و غفلت و كوتاهي نكنند.

بانوان درطول سال در تمامی مناسبت های مربوط به ائمه -عليهم السلام-که شامل ولادت ها وشهادت هامی باشد،مراسماتی را تشکیل می دهندوبانوان بسیاری در سنین مختلفی در این جلسات مذهبی حضور می یابند. امیر المومنین-عليهم السلام- درباره حضور شیعیانشان در غم وشادی ائمه-عليهم السلام- این چنین می فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی اطَّلَعَ إِلَی الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِیعَهً یَنْصُرُونَنَا وَ یَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ یَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ یَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِینَا أُولَئِکَ مِنَّا وَ إِلَیْنَا.خداوند متعال به دنیا توجه فرمود،و ما را برگزید و بعد برای ما شیعیان را برگزید که ما را یاری کنند،درخوشحالی ما خوشحال باشند و در حزن ما محزون گردند، مال و جان خود را در راه ما فدا می‏کنند آنها از ما هستند . [[2]](#footnote-2)‏

بايد توجه داشت كه حضور در مجالس مذهبي نقش بسيار مهمي را در شكوفايي عقل و خرد جمعي دارد واینگونه مجالس درجهت معرفت یابی نسبت به ائمه-عليهم السلام- تاثیربسزایی دارند،به گونه اي كه امام رضا -عليهم السلام-در پاداش کسانی که امر ائمه را احیا میکنند ،می فرمایند: **« مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً یُحْیی فیهِ اَمْرُنالَمْ یَمُتْ قَلْبُهُ یَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ .هر کس در مجلسی بنشیند که در آن ، امر (و خطّ و مرام ما) احیا می شود ، دلش در روزی که دلها می میرند ، نمی میرد.»**[[3]](#footnote-3)

در این مبحث آسیب شناسی مجالس مذهبی بانوان درزوایای مختلف اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی موردبررسی قرار می گیرد.این آسیب هاهم به صورت محتوایی وهم به صورت شکلی می باشند امابه طورکلی هرکدام از این آسیب های موجود ،دردسته های اعتقادی،اخلاقی،اجتمایی قرار می گیرد.

**فصل اول:آسیب های اعتقادی**

1. **آسیب های اعتقادی**

‌ از نیازهای قطعی و اساسی برای داشتن زندگی سالم و توأم با آرامش و موفقیت، داشتن ایمان و اعتقاد مذهبی صحیح و پایدار است. ایمان و [اعتقاد به خدا](http://www.wikiporsesh.ir/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF_%D8%A8%D9%87_%D8%AE%D8%AF%D8%A7) بسان داروی شفابخشی است که اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و ناهنجاری‌ها را می‌زداید و به زندگی رنگ و بوی الهی می‌بخشد**.**

مجالس مذهبی مکان مناسبی برای تشکیل اعتقادات صحیح انسان می باشد.حال اگردر این شکل گیری خدشه وآسیبی وارد شود،فرد دچار بی اعتقادی نسبت به خدا و رسالت انسان‌هایی که از سوی خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آمده‌اند،می شود.

بسیاری از انسان‌های سست بنیاد و بی‌اعتقاد به مسائل مذهبی، در مقابل مشکلات زندگی پیچیده دنیای مُدرن توان ایستادگی ندارند**.**

ازجمله آسیب های مجالس مذهبی بانوان که در زمینه اعتقادات آدمی قرار دارند وتاثیرات ناپسندی را براعتقاد می گذارندعبارت است از: تحریفات ، خرافات ، بدعت‌ها ، بيان مطالب واحکام و روايات بدون سند يا با سند ضعيف ، مدّعيان دروغين و ارتباط با ائمه (عليه السلام) ، اعتبار بخشيدن به خواب‌ها و رؤياها **.**

شاید درنگاه اول خرافه وتحریف یک معنا ومفهوم داشته باشدامابا توجه به تعاريفي که از این دومطلب به عمل آمد، تفاوت آنها در اين است که خرافه چه بسا اساسي ندارد، ولي تحريف اساس و مبنايي دارد، اين اساس، همان واقعيت واژگون شده است. به عبارت ديگر در تحريف چيزي است که تغيير مي‌کند، اما در خرافه اساساً چيزي نيست، بلکه صرفاً ساخته شده و امري موهوم است.به همین دلیل خرافه وتحریف را در دومبحث جدای ازهم بررسی می کنیم.

**101 تحریف**

يکي از اهداف مهم انبياء و اولياي الهي مبارزه با تحريف‌ها می باشد . به طور مثال قيام عاشورا به عنوان يک واقعه بزرگ که به همت ولي خدا انجام شد، در طول گذشت تاريخ هزار وسيصد و اندي ساله خود دچار تحريف‌هایی شده است. این تحریف ها براعتقادات افراد درباره این قیام تاثیر سوئی دارد.البته ممکن است درمواردی برمحتوی اصلی قیام هم تاثیرخودرابگذارد. تحریفات در قیام عاشورا از آسیب های جدی است که مجالس عزاداری را تحت شعاع قرار می دهد. این تحریفات گاه در قالب سخنرانی و کتاب می باشد و گاه در قالب شعر بروز می کند. وهمچنین این تحریفات درباره تلاش ها ،اهداف وزندگانی تمامی امامان وجود دارد.

*تحریف درلغت به معنای تغییروتحول ومبدل ساختن ظاهریا دلالت یک لفظ یامعانی دیگر است که موردنظر واضح لغت یامدلول لفظ نباشد.[[4]](#footnote-4)*

امام صادق ملاک حق و باطل و شناخت تحریف دین از غیر آن را به عهده علمای دین نهاده و افراد را به متابعت از آنان سفارش نموده است:

«إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَهُ الْأَنْبِیَاءِ وَ ذَاکَ أَنَّ الْأَنْبِیَاءَ لَمْ یُورِثُوا دِرْهَماً وَ لَا دِینَاراً وَ إِنَّمَا أَوْرَثُوا أَحَادِیثَ مِنْ أَحَادِیثِهِمْ فَمَنْ أَخَذَ بِشَیْ‏ءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حَظّاً وَافِراً فَانْظُرُوا عِلْمَکُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ فَإِنَّ فِینَا أَهْلَ الْبَیْتِ فِی کُلِّ خَلَفٍ عُدُولًا یَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِیفَ الْغَالِینَ وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِینَ وَ تَأْوِیلَ الْجَاهِلِینَ ؛دانشمندان وارثان پیامبرانند. و این بدان جهت است که پیامبران درهم و دیناری از خود برجای نمی‏گذارند، بلکه سخنان و احادیثی از خود برجای می‏نهند، پس هر کس چیزی از آنها را بگیرد، به بهره فراوان دست یافته است. اکنون بنگرید که علم خود را از چه کس می‏گیرید! زیرا که در میان ما اهل بیت در هر نسلی مردمان عادلی هستند که دین را از تحریف گزافکاران، و ساخته‏های باطل پسندان، و تأویل نادانان می‏پیرایند.» [[5]](#footnote-5)

طبق این حدیث شریف، کسانی که بدون توجه به آموزه های دینی و نیز توصیه های عالمان دین، عزاداری ها را با تحریفات و خرافات می آمیزند و گاه برنامه هایی اجرا می کنند که نه تنها خلاف شرع بلکه موجب وهن دین و مذهب می شوند، نادان و گاه دشمنان تشیع می باشند و همراهی با آنان نیز در حکم کمک به آنان در وهن دین محسوب می شود.

ازعوامل مهم تحریفات ایجاد شده درمجالس مذهبی غرضها و دشمني‌هاي دشمنان ،تمايل بشر به اسطوره و افسانه  سازي،پندار به تقويت واقعه می باشد.

* **غرض های دشمنان**

گاهي دشمن براي اينکه به هدف خود یعنی تحریف واقع برسد،  تغيير و تبديل‌هايي در متن تاريخ و يا توجيه و تفسير‌هاي ناروايي از تاريخ مي‌ نمايد.

اين عامل در تحريفات عاشورا نقش اساسي داشت. مثلاً بني اميه از همان ابتدا امام حسين - عليه السلام - و ياران با وفاي او را خارج از دين مي‌خواندند تا بدينوسيله جنايات خود را توجيه کنند.

* **تمايل بشر به اسطوره سازي**

در بشر يک حس قهرمان پرستي وجود دارد. معمولاً انسان‌ها به قهرمان‌ها و نابغه‌هايي که بسيار علاقه دارند، افسانه مي‌بندند. اين عامل در قيام امام حسين(عليه السلام) نيز وجود داشت. مانند نحوة جنگيدن حضرت ابو الفضل(ع) در ميدان جنگ که گفته شده با نوک شمشير خود تعداد هشتاد نفر را به آسمان پرت کرد وقتي هشتادمين نفر به بالا پرت شد، اولين نفر به زمين فرود آمد.

* **پندار به تقويت واقعه**

گاه يک واقعه آنقدر مورد علاقه است و افراد مي‌خواهند زنده بماند، که نکاتي را به آن مي‌افزايند يا احياناً از آن مي‌کاهند تا به زعم آنان بيشتر و بهتر در طول تاريخ باقي بماند.

در نهضت حسيني چه بسا افراد مي‌پنداشتند اگر به روضه‌هاي و مصيبت‌ها نکاتي را گر چه در واقع رخ نداده است، بيفزايند ماندني‌تر خواهد شد. مثل جريان عروسي قاسم بن حسن(ع) که کاملاً ساختگي است، ولي روضه خوانان چه بسا به اين دليل که به زعم خود به شور مجالس بيفزايند و مردم را بيشتر بگريانند، آن را اضافه کرده‌اند، امّا آيا استفاده از هر وسيله‌اي براي گرياندن مردم جايز است؟!

  انسانهایی که همواره بغض وکوردلی نسبت به خدا،ائمه ودین دارندبهطور دائمی ومستمر در پی ایجاد تحریف هایی هستند.خداوند در باره این افراد می فرمایند: **«كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ؛ عادت آنان در انكار وتحریف حقايق،) همچون عادت آل فرعون و كساني است كه پيش از آنها بودند، آيات ما را تكذيب كردند، و خداوند آنها را به (كيفر) گناهانشان گرفت، و خداوند، شديد العقاب است. »**[[6]](#footnote-6)

وقايع تاريخي بسياري دراین مجالس دچار تحريف و تغيير گشته اند. یک نمونه از تحريف در وقايع عاشورا كه از معروفترين قضايا شده است و حتي يك تاريخ هم به آن گواهي نمي دهد قصه -ليلا- مادر حضرت علي اكبر است... علي اكبر كه به ميدان رفت، حضرت به -ليلا- فرمود كه از جدم شنيدم دعاي مادر در حق فرزند مستجاب است، برو در فلان خيمه خلوت موهايت را پريشان كن و در حق فرزندت دعا كن؛ شايد خداوند اين فرزند را سالم به ما برگرداند. اولاً ليلايي در كربلا نبوده كه چنين كند. ثانياً اصلاً اين منطق، منطق حسين عليه السلام نيست... نمونه ديگر بعد از اينكه -ليلا- رفت در آن خيمه و موهايش را پريشان كرد، نذر كرد كه اگر خدا علي اكبر را سالم به او برگرداند و در كربلا كشته نشود از كربلا تا مدينه را ريحان بكارد. يعني نذر كرد سيصد فرسخ راه را ريحان بكارد**.**

**201 خرافه**

واژه خرافه،دقیقا نقطه مقابل هرعمل وجهت گیری است که برمبنای خرد وعقل وتعقل می باشد خرافه وخرافه پرستی،بلای جان بینش خردگرایانه وحتی احساسات مبتنی برتعقل محسوب می شود.

مسئله راهیابی خرافه به مجالس مذهبی هرچند تدریجی وبه مرورصورت گرفته باشد،ازمجموعه تحریفات بی اثرنبوده وبه نظرمی رسد که حداقل درقرون معاصر،افرادوجریانات مشکوک ووابسته به بیگانه عمدا یاجهلا به آن دامن زده اند.

خرافه ويروس خطرناكي است كه اگر در هيئت هاو مجالس مذهبي راه پيدا كند،نابود كننده­ی انديشه­ی ديني و موهن مذهب خواهد بود.

طبق آمار و بررسي‌هاي انجام شده زنان بيش از مردان به مسايل مذهبي گرايش دارند و اين موضوع درباره‌ي همه زنان اعم از مسلمان و غير مسلمان صدق مي‌کند. با وجود اين مي‌توان گفت که تمرکز به احساسات و رويکرد آن‌ها در توجّه به اين مسأله مي‌تواند زمينه‌ي مساعدي را براي بروز خرافات در اين گونه جلسات فراهم نمايد.

عوامل مختلفی برایجادخرافه وجود دارد ازجمله این عوامل عبارتند از:جهل و ناداني ،تقليد‌هاي کورکورانه و بي پايه ،احساسات به جاي تعقل می باشد.

**ـ جهل و ناداني**

مهمترين علت خرافه زايي و حتي پذيرش خرافات، ناداني مردم است. قرآن نيز همين علت را ريشة انواع بت پرستي معرفي مي‌کند و انسان‌ها را به عبرت آموزي دعوت نموده است.

بعضی ازبانوان در کنار مراسم طبخ سمنو است ، و آن این که به اعتقاد آنها بعد از گذاشتن درب دیگ سمنو، در سحر گاه، حضرت فاطمه سلام الله علیها در آنجا حاضر می شود ، در آینه نگاه می کند و به چشم سرمه می کشد! و سپس با قرار دادن پنج انگشت خود بر روی سمنو ، آن را متبرّک میکند! البته گاهی مراسم دیگری هم در کنار پختن سمنو انجام می گیرد که همراه با برگزاری برنامه های خرافی است.

**ـ تقليد‌هاي کورکورانه و بي پايه واساس**

گاهي خرافه‌اي چنان رواج مي‌يابد که اگر افرادي به آن عمل نکنند، احساس مي‌شود جرم و خطايي انجام داده‌اند، از جمله هزینه کردن مقدارزیادی پول برای خرید وسایل مورد نیاز مجالس امروزی . وگاهی در بعضی مجالس برای برگزاری استقبال ازخرید یک نوع وسیله مربوط به هیئت بانوان،درآن جلسه جمع می شوند.به گمان برخی ازآنها این یک نوع سنت درست است وپیروی از آن واجب می باشد.

مشکل بعدی ترتیب دادن مراسم «کاچی سه شنبه » ،که از قدیم رواج داشته است . خانمها نذر می کنند که این غذای ساده را تهیه کنند و بایستی فقط بانوان از این غذا بخورند و هیچ مردی نباید از این غذا بخورد و حتی خانم باردار، چون ممکن است فرزندش پسر باشد! و چنان که مردی از این کاچی بخورد حتما به زندان می افتد و حتی اگر آسمان «کاچی» را ببیند یعنی ظرف را بدون در پوش بیرون ببرند صحت نذر به خطر می افتد! و زمانی هم که مشغول خوردن «کاچی» هستند یک نفر داستان مربوط به آن را که خرافه ای بیش نیست تعریف میکند.

**ـ احساسات به جاي تعقل** معمولاً بيشتر مردم به دنبال امتناع عقلي و منطقي نيستند، لذا با تحريک احساسات و عواطف، مي‌توان آنها را به کاري وا داشت، يا از آن بازداشت، هر اندازه فرد و اجتماعي اهل تعقل، تفکر و منطق و استدلال باشند، خرافات در ميان آنها کمتر خواهد بود.

براي مثال استفاده از شمايل و تماثيل معصومين-عليهم السلام- در مکان‌هاي مذهبي و عزاداري‌ها که اسلام -بر خلاف مسيحيت- به همين دليل با مجسمه سازي و مجسمه تراشي مخالفت مي‌کند.آنها بانصب شمایلی از امامان به برانگیختن احساسات افراد می پردازند.

دربرخی ازجلسات هم برگزار کننده درخواست روضه حضرت قاسم -علیه السلام- را می کند و مدّاح روضه حجله قاسم همراه با اشعار نا مناسب را مطرح می کند و مخاطبین نیز اعتراضی ندارند .این مبحث ایجاد شده در مجالس امروزه متاسفانه وسعت بسیاری دارد ،وبانوان به دلیل غلبه احساسات خود هیچگونه تعقلی نسبت به این موضوع ندارند.

**301 بدعت**

بدعت‌ از نظر لغوی‌ یعنی‌ چیزی‌ را بدون‌ سابقه‌ و الگوی‌ قبلی‌ ایجاد کردن‌، یا گفتاری‌ را بی‌پیشینه‌ بر زبان‌ آوردن‌ می‌باشد.  
 *بدعت‌ از لحاظ اصطلاحی‌ یعنی‌ امر تازه‌ای‌ که‌ اصلی‌ در* [*کتاب‌*](http://www.wikifeqh.ir/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8%E2%80%8C) *و* [*سنت‌*](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%86%D8%AA%E2%80%8C) *ندارد،* [[7]](#footnote-7) و به طور کلی بدعت‌ یعنی‌ کم‌ و زیاد کردن‌ِ دین‌ و در عین‌ حال‌ این‌ کار را به‌ نام‌ [دین‌](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AF%DB%8C%D9%86%E2%80%8C) انجام‌ دادن می باشد.

|  |
| --- |
|  |
|  |
|  |

در واقع بدعت، عبارت است از نوآوری عقیده یا عملی در حوزه [دین](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AF%DB%8C%D9%86) بدون استناد به منابع پذیرفته شده در [استنباط](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%A8%D8%A7%D8%B7) [احکام](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D9%85)، همچون [قرآن](http://www.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86) و [سنت](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%86%D8%AA) معصومان علیهم السلام که از آن به تشریع در [دین](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AF%DB%8C%D9%86) نیز تعبیر می‌شود.  
مقابل بدعت، « سنّت » قرار دارد که عبارت است از مجموعه عقاید، اخلاقیات و [احکام](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D9%85) عملی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و امامان علیهم السّلام، پایه‌گذاری کرده‌اند.

ازآنجایی که زندگانی ائمه سراسرامربه معروف ونهی از منکر می باشد،لذامسئله بدعت دراین بحث نیزوجود دارد.مانند قیام امام حسین عليهم السلام-،ظهورامام زمان-عجل الله تعالی فرج شریف و.... .

تمامی بدعت ها سیئه و [گناهان کبیره‌ای](http://www.wikifeqh.ir/%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D8%A8%DB%8C%D8%B1%D9%87%E2%80%8C) هستند که در حد شرک می باشند.

امام على - عليه السلام - درباره بدعت می فرمایند**:«ما هَدمَ الدِّينَ مثلُ البِدعِ ؛چيزى مانند بدعت ها دين را ويران نكرده است.»**[[8]](#footnote-8)

واماخداوند متعال در نكوهش رهبانيت که یک نوع بدعت درزمان حضرت عیسی بود مى فرمايند:

«...وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلاَّ ابْتِغَاء رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ در دل كسانى كه از او( عيسى )پيروى كردند رأفت و رحمت قرار داديم و رهبانيتى كه به بدعت آورده اند و ما بر آن ها مقرر نكرده ايم، اما در آن خشنودى خدا را مى جستند، ولى حق آن را رعايت نكردند. ما از آن ميان به كسانى كه ايمان آورده بودند پاداش داديم ولى بسيارى از آن ها نافرمان بودند.»[[9]](#footnote-9)

پيامبر خدا - صلى الله عليه و آله- همچنین درباره فردبدعت گذار می فرمایند:**«أبَى اللّه ُ لصاحِبِ البدعةِ بالتّوبةِ  خداوند توبه بدعت گذار را نمى پذيرد.»** [[10]](#footnote-10)  
مجالس مذهبی بانوان خالی از بدعت نیست بدعت هایی که باعث پایه گذاری اعتقادات نادرست می باشد این بدعت هاممکن است به صورت های زیر بیاید:

ورود آلات موسیقی نامناسب وحرام به محافل عزاداری ، ورود دف درمراسم اعیاد وولادت ها،غلو در مقام اهل بیت -علیهم السلام -، تجانس برای خدا ، هلول خدا در اهل بیت -علیهم السلام - ، تشبیه اهل بیت -علیهم السلام - به خدا و.... .

گاهی خانم‌هايي که مجلس گردان اين جلساتند از وسع اطّلاعات و نيروي علمي کافي برخوردار نيستند که عهده دار معارف دين مي گردند، در نتيجه معارف دين آن طور که بايد و شايد به گوش مخاطبان نمي‌رسد. با ارائه‌ي برخي مسايل ناصحيح و خارج از حوزه‌ي اصول شرعي و اسلامي، طرح مطالب شبهه انگيز و... باعث سستي عقايد مخاطبان نسبت به دين و به ويژه به واقعه‌ي عاشورا و پيام‌هاي حقيقي آن مي‌شوند. ومباحث مطرح شده توسط آنها به نوعی به سمت بدعت گذاری کشیده می شود؛چراکه ناآگاهی آنهاازمسائل دین وغلبه کردن عواطف واحساسات برآنها باعث مطرح شدن مسائلی نسبت به ائمه می شود که هیچ گونه صحتی ندارند.

علاوه بر این مسئله، آن چه که در مجالس زنان بيان مي‌شود، زبان به زبان پخش مي‌گردد و متأسفانه بيشتر مستمعان اين‌گونه جلسات فقط شنونده هستند و چنين مي‌پندارند مطالبي را که سخنران بيان مي‌کند براي آن‌ها حجت است. همين مسأله به دين آسيب مي‌زند زيرا باعث مي‌شود که احکام و معارف ديني به نوعي بي پايه و اساس، جلوه داده شود.وتمامی زنان داخل جلسه وگاهی خارج جلسات هم که اطلاعات کافی ازمسائل دینی ندارند این مطالب پذیرفته وقبول می کنند.

یکی ازاین آسیب هادرمبحث بدعت گذاری مساله -غلو- در باره پیشوایان است. سرچشمه این انحراف از آنجا است که انسان علاقه دارد که رهبران و پیشوایان خویش را بیش از آنچه هستند بزرگ نشان دهد تا بر عظمت خود بیافزاید.

گاهی نیز این تصور که غلو در باره پیشوایان، نشانه ایمان به آنان و عشق و علاقه به آنها است سبب گام نهادن در این ورطه هولناک می‏شود. غلو همواره یک عیب بزرگ را همراه دارد و آن اینکه ریشه اصلی مذهب یعنی خداپرستی و توحید را خراب میکند.امیر المومنین علی- عليه السلام – درباره غلو کنندگان می فرمایند**:«هَلَکَ فِیَّ رَجُلَانِ مُحِبٌّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالٍ؛ دو گروه درباره من هلاک شدند، آنها که غلو می کنند[و ما را برتر از مقاممان معرفی می کنند و همچون خداوند می ستایند] و دشمنانی که به ما دشنام می دهند.»**[[11]](#footnote-11)

**401 اعتبار بخشيدن به خواب‌ها و رؤياها**

ورود خواب، مکاشفات در عرصه معارف اسلامی به عنوان یک مبنا موجب طرح سست معارف ‏اسلامی شده است. اگر خواب مقدس واقع شود؛چون راهی برای اثبات و نفی آن نیست حربه ‏ای محکم براعتقادات مذهبی انسانها می شود که توسط شیادان شکل می گیرد تا از این ‏رهگذر دروغ های خود را جا بیندازند.   
 عرب ها و مسلمانان بيش از هر ملت ديگري از حيث اجتماعي تحت تأثير رؤياها قرار دارند و لذا بسياري از باورها و عادات مقدس ما از رؤياها برخاسته اند تا آنجا كه گاه برخي از متدينان، رؤيا را همچون وحي غير قابل ترديد و انكار مي پندارند.

گاه نيز ديدگاه برخي از علماي دين نسبت به خواب و رؤيا تأثيراتي منفي در زندگي و منش عوام داشته است. به نحوي كه اگر امام يا نيك مردي به خواب كسي مي آمد و او را به انجام كاري دستور مي داد وي بلا درنگ در صدد تحقق آن خواسته برمي آمد.

در بسياري از جلسات خواب‌هايي نقل مي‌گردد که با اصل دين و حقيقت در تضاد مي‌باشد هم چنين برخي از گويندگان اين جلسات با نقل خواب‌ها و مکاشفات، تمام وقت جلسه را پيرامون اين مسأله مي‌گذرانند و سعي مي‌کنند خود را مقدّس و نظر کرده جلوه داده، از اين طريق مخاطبان را فريب دهند.

درمسئله خواب ورویا باید به فرد بیننده خواب وخود خواب دقت بسیاری کرد تا درستی ونادرستی خواب مشخص شود ؛لذاپيامبر اكرم (ص) فرمودند:

«الرؤيا ثلاثة بشري من الله و تحزن من الشيطان والذي يحدث به الانسان نفسه فيراه في منامه؛خواب و رؤيا سه گانه است؛ گاهي بشارتي از ناحيه خداوند است گاه وسيله غم واندوه از سوي شيطان، و گاه مسائلي است كه انسان در فكر خود مي‌پروراند و آن را در خواب مي‌بيند.»[[12]](#footnote-12)

از اين حديث استفاده مي‌شود كه خوابهاي رحماني كه جنبه بشارت دارد حتماً بايد خوابي باشد كه از حادثه مسرت‌بخش در آينده پرده بردارد.

امام صادق (ع) نیزمي‌فرمايند:

«خواب بر سه قسم است: محكم، متشابه، اضغاث احلام. و اضغاث احلام را چهار دسته از مردم مي‌بينند: 1ـ كساني كه در مزاجشان فساد و بيماري راه يافته باشد(مريض، تب‌دار و بيماران رواني).2ـ مستان (افرادي كه با خوردن چيزي مست شده‌اند).3- كساني كه غذاهاي غليظ و سنگين خورده باشند. 4ـ كودكان نابالغ.»[[13]](#footnote-13)

اعتقادی که توسط یک خواب ورویا شکل گیرد مطمئنا با خواب هم ازبین می ‏رود. در هیچ بخشی از معارف اسلامی وجودنداردکه اهل بیت(ع) کسی را با خواب و رؤیا هدایت کرده باشند، یااینکه امروزه ملاقات با ولی الله الاعظم به این ابتذالی درآمده است که هم اینک در کتابها نوشته و در جلسات گفته می‏ شود.

درحالیکه ملاقات در غیبت کبری به دو صورت واقع می‏ شود؛ ملاقات‏در حال اختیاریا ملاقات در حال اضطرار، ملاقات در حال اختیار منحصر به افرادی نظیر-سید بن طاووس-است که ‏احیاناً امام را دیده و شناخته و از او کسب فیض کرده‏ اند.

اما ملاقات در حال اضطرار مربوط به افرادی است که در حال‏ گرفتاری شدید به ذیل عنایت امام توسل می ‏شوند و امام خود یا توسط افرادی که دارند از او دستگیری می ‏نمایند و آنها که در اثر لیاقت و شایستگی به فیض دیدار موفق می‏ شوند به کسی نمی‏ گویند.

پس هر خواب وهر بیننده خوابی برای افرادقابل اعتمادنیستند اماامروزه درمیان جلسات مذهبی شیوع پیداکرده است وچون بانوان ازعواطف واحساسات بیشتری برخوردارند وهمواره به دنبال اموراتی چون فالگیری هستند پس خواب ورویاها برآنها بیشتر اثرگذاراست به همین دلیل افرادی که این قصدپلید رادارند درمیان جمع بانوان بهتروآسان تر می توانند به اهداف خود دست پیدا کنند.

از آن جمله مي توان به خواب های بی پایه واساس راجع به دیدار بعضی ازخانمهای داخل این جلسات باشخص امام زمان اشاره کرد.اینگونه خواب هادربین بانوان بیشتر شایع است به طوری که خودرا همسر ،دختریانوه امام معرفی می کنند به این سخنان خود دامن زده تاجاییکه همسروپدر وپدر بزرگ خودرا –نعوذ بالله-باعنوان امام زمان معرفی می کنند.

وباگذشت جلسات بیشتربادقت کامل به معرفی غلوآمیز امام زمان دروغینشان می پردازند.ودرصددجلب یارانی هم برا او هستند ودر این بین از بانوان می خواهند تاهرگونه عملی حتی خلاف شرع وحرام انجام دهند وبه اعمال زشت خود رنگ وبوی الهی می بخشند.

وحتی در این بین به بیان داستان هایی نیز می پردازند که گاهی گوینده داستان ویا قهرمان داستان ماجرا رااز خواب ورویاهای خود تعبیر می کنند.

*از خانمي ايراني در منطقه سردزك نقل شده است که تربتي از امام حسين عليه السلام را در جعبه كوچكي نگهداري مي كرد. اين تربت در عاشوراي هر سال، خون آلوده گشته و اطراف خود را نيز خونين مي ساخت. سپس به تدريج خون ها خشك گشته و به حالت اوليه بازمي گشت. [[14]](#footnote-14)*

درحقیقت تأويل رؤيا در روزگاران قديم بر عهده فيلسوفان آن جوامع بود كه دين و حكمت را در يك جا در خود داشتند. از آن جمله مي توان به ابن سيرين اشاره كرد كه رؤياهاي صادقه را بخشي از چهل جزء نبوت شمرده و كتابي در تعبير خواب نيز نگاشته بود. او تنها كسي را سزاوار تعبير خواب مي شمرد كه داناي به كتاب خدا و سنّت پيامبر بوده و آشناي به زبان عرب و اشتقاقات الفاظ باشد و نسبت به حالات مردمان، آگاه بوده و پاكدامن و خوش سيرت و راستگو باشد.

 بنابراين يك معبر خواب بايد روانشناس و فيلسوف و دين شناس و زبان دان و بااخلاق باشد.وهرکسی در این جلسات نمی تواند یک خواب را برامری دلالت دهد وآن راتعبیرکند هرچند آن خواب راست ورویای صادقه باشد.

**501 مریدپروری**

مرید در لغت به معنای سرکش ، خبیث ،متمرد و شریراست.ومرید پروری متمرد و سرکش و بیرون رونده ازفرمان خدای تعالی و رانده شده می باشد.

مرید پروری صورت تحریف شدهء، امامت است. امام را از حد خویش فراتر بردن و او را به مقام و منزلت الوهی بر کشیدن است. در مرید پروری فرد از تقرب به خداوند باز می ماند.گاهی مریدپروری خارج ازمسئله امامت می باشد، منظور از مریدپروری یا رابطه مرید و مرادی ،دراین معنا،رابطه ای است؛میان مربی و متربی که در آن نظر بر این است که تمام عمل وسخن مربی درست وصحیح است.

منظور از مریدپروری این است که در جریان تربیت دینی، افراد چنان تربیت شوند که مربی را به چشم مراد خویش ببینند، به این معنا که وی را ورای سؤال قرار دهند و او را چنان بنگرند که گویی منشأ اولیه حق است. این شأن تنها از آن خداست و جز او هر که باشد، نه منشأ اولیه حق است و نه در ورای سؤال قرار دارد.

در طرف دیگر مرید پروری ، تکروی قرار دارد ، که هر دو لغزشگاه محسوب می شوند و حد میانه در اینجا الگوپردازی است. تکروی در جریان تربیت دینی،  به دو صورت رخ می دهد ؛ نخست با نفی امامت و دوم با پذیرش آن می باشدو در عین حال ، تعمیم آن ،  به گونه ای که هر کس می تواند امام خویش باشد. در نتیجه فرد از استفاده الگوها باز می ماند و در حد خود محدود می شود.

خداوند درقرآن مجید می فرمایند:**«**[**وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ کُلَّ شَيْطانٍ مَريدٍ**](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=22&AID=3)**؛گروهی از مردم ، بدون هیچ علم و دانشی ، به مجادله درباره خدا برمی خیزند و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند.»**[[15]](#footnote-15)

مرید یعنی پلید و مجادله درباره خدا بدون علم یعنی اینکه انسان در مسائلی که بازگشت آن به صفات و افعال خدا باشد سخنانی براساس جهل و بدون علم بگوید و برآن اصرار بورزد.ودراین راستاخودازشیطان پیروی می کنندوافرادی نیزبه پیروی خود برمی گزینند.آنها رادراین راه تشویق می کنند.

بعضی از مردم ـ یعنی مشرکین ـ درباره خدا بدون علم سخن می گویند وبر جهل خود اصرار می ورزند و به هر باطلی اعتقاد می یابند و به آن عمل می کنند و چون محرک آنها شیطان خبیث و فاسد و عاری از خیر است ، در حقیقت اینها به اغوای شیطان متمایل شده اند و در اعتقاد و عمل از او پیروی می کنند و این گمراهان در پیروی از باطل به هیچ حدی متوقف نمی شوند چون استعداد پذیرش حق در آنها نابود شده و قلبشان برباطل مهمور گشته است. وبه دنبال پیروی از هر فرد ومسلک ناحقی می باشند.

این مریدپروری تاآنجا ادامه می یابد که هرفرد مذهبی ودینداری رانیز تحت تسلط خود قرار می دهد. تاآنجاکه هرچه فرد بگوید موردتصدیق مریدان اوقرار می گیرد.

**حد میانه در این محور ، الگو پردازی است ؛** الگو پردازی در مفاهیم دینی ، در درجه ی اول ناظر بر وجود انسان های والایی است که خداوند آن ها را برگزیده و با مصون داشتن آنها از خطا آنها را –امام- و –اسوه- قرار داده است.

  الگو پردازی و امامت حاکی از رابطه ای مرید و مرادی نیست ؛ زیرا الگو و امام ، خود را  همواره با حق ملازم می کند نه این که خود را مبدا حق بداند. وقتی صحبت از اولیای خدا می آید از کلماتی چون -مع-،-مع الحق- استفاده می شود .

مريدپروري در فرقه‌هاي بهائيت و صوفيه و ديگر فرقه‌ها يك اصل اجتناب‌ناپذير است در حالي كه اسلام آن را نهي كرده‌ و خطرناك شمرده‌ است.

امروزه خطر مرید پروری درمجالس مذهبی بانوان به اشکال مختلف نیز دیده می شود. متأسفانه مجلس عزاداری ما تفکربرانگیز نیست و به جای تربیت متفکر، مرید پرورش می دهد.اتفاقی که هم اکنون در جامعه ما در حال روی دادن است برعکس آن چیزی است که در شیعه علوی پیش آمده است. مناسک مذهبی به گونه ای برگزار می شود که با اصل دین و رسالت حرکت آن بزرگواران کاملاً در تضاد است.

برخی مداحان در مجالس عزاداری از ائمه بت های بزرگی می سازند و حتی بعضی مواقع آنها را در حدّ خدا -نعوذ بالله- بزرگ می کنند. این گونه تصویرسازی برای مردم عادی باعث می شود تا جو فکری جامعه به سمتی حرکت کند که ائمه (ع) را افرادی جدا از جامعه به حساب بیاورند و آنها را از جنس آدمیزاد ندانند و برای آنها جایگاهی دست نیافتنی درست می کنند.

در صورتی که ائمه (ع) در میان جامعه و از جنس آدم بوده اند و تمام فعالیت های آنها از متن جامعه برخاسته است.

به دنبال جو سازی های نامناسب افراد به انحراف کشیده می شوند؛زیرا همه چیز به صورت غیرواقعی به مردم نشان داده می شود. به طور حتم این مسائل انحطاطی، به مرور زمان به باور مردم تبدیل شده و درست کردن آن در آینده بسیار مشکل خواهد شد.

دربرخی ازمجالس بانوان فقط یک مداح راقبول دارندواین عقیده ازجوسازی اشتباه آن مداح ایجاد شده است، به گونه ای که فقط درجلسات او حضور می یابند به طوری که کاملا مرید پروری درآنها مشاهده می شود.برخی مداحان وسخنرانان بااطلاعات نادرست ،بیش ازحد ائمه را بزرگ می کنند،خودرابا عواملی چون خواب وکرامت –که پیش از این توضیح داده شد-به ائمه منتسب کرده ومریدانی رابرای خود جمع می کنند با اهدافی چون:کمبود شخصیتی ، شهوت،قدرت،وابستگی به اعضای مجالس ،غفلت از خدا،توجه افراطی به اعضای حلقه های تشکیل شده ودرنهایت نبود نظارت کافی و منحرف شدن ازهدف و انگیزه اصلی مجالس می باشد.

601 ترويج عرفان های نوظهور

مهمترين اثري كه برگزاري مجالس عزاداري به دنبال دارد، اين است كه جامعه انساني كه در پي مشكلات خويش از معنويت و صفاي باطن دور گشته است، لااقل براي‌مدتي حال و هواي ديگري بيابد و شيعيان در مدتي از زمان در جوي از معنويت و صفا قرار مي‌گيرند و سبب زنده سازي و احياي دل و تقويت ترس و اميد به رحمت الهي مي‌گردد تا در پي آن جامعه به سوي اصلاح و سازندگي معنوي و مادي ناب به پيش رود.

بنابراين آنان كه به درستي و با خلوص نيت به عزاداري مي‌پردازند، پس از گذشت و تكرار اين معنويات، شخصيتي خدايي پيدا مي‌كنند و بينش و معنويت آنان رشدي غير قابل انكار،پيدا خواهد كرد.

بانوان در مورد پاسخ به نیازهای معنوی خود به برگزاری این مراسمات می پردازنداگردرطی حضوردرجلسات به سوالات ونیازهای آنها پاسخ درست داده شود درنتیجه به معنویات والا ودرمسیراهداف ائمه دست می یابند. امااگردر این بین افرادسودجواهداف ناپسند ومغرضانه خودراپیش برندوآنهارادر مسیراشتباه عرفانهای نوظهوروحتی ادیان دیگرقراردهند،آنگاه بانوان وبیشتر اقشارجوان مجالس درمسیر اشتباهی قرار می گیرند چراکه آنها ازتجربه واطلاعات کافی درزمینه دین وزندگی ائمه برخوردار نیستند؛ وضربه جبران ناپذیری به اعتقادات آنا می رسد وممکن است ازمسیر دین اسلام خارج شده وبه ادیان دیگر روی آورند.

متأسفانه بعضي از هيئات مذهبي و مجالس عزاداري از اين آفت­ها دور نمانده و آسيب هاي جدي ديده­اند وعده­ای سودجو، از گرايشات فطري نسل جوان به معنويت، و احساسات و عواطف زنان و دختران، سوءاستفاده كرده و با طرح مطالب پوچ و بي­اساس به نام عرفان، به لاابالي­گري پرداخته و جوانان پاك و بي­آلايش جامعه را فريب داده­اند؛ و به نام دعوت به خدا، به خود دعوت نموده و مريدپروري مي‌كنند.

اگر مجالس مذهبی درست مدیریت نشوند، و عطش فطری جوانان عزیز، با عرفان حقیقی سیراب نگردد، گرایش های انحرافی و عرفان های قلابی و معنویت های دروغین، توسط شیادان نقش آفرینی کرده و آسیب­های غیر قابل جبرانی را متوجه جامعه خواهند نمود.

**701 سوادکم خانم جلسه ای**

از آسيب هاي جدي كه با كمال تأسف در هيئت ها و مجالس مذهبي بانوان رسوخ كرده است، وارد شدن بعضي از مداحان و مرثيه سرايان و اديبان و شاعران و هنرمندان و مجريان هيئات در اموري است كه در حوزه­ی تخصصي مراجع و عالمان و انديشمندان ديني مي‌باشد و با بي اعتنايي به نظر علماي دين به راحتي اظهار نظر می کنند.

همخواني و همراهي آنان با عالمان و انديشمندان ديني تا جايي است كه با درنظرگرفتن سليقه هايشان سازگار باشد و اين آفت در بعضي از مجالس مذهبي به حدي غليظ شده است كه عالمان ديني در حاشيه قرار گرفته اند و غيرمتخصصين به صرف داشتن يك صوت زيبا و يا بيان شيرين و يا ادبيات جذاب، حد خود را نشناخته اند؛و بدون داشتن تخصص، به تحليل و تبيين و اظهار نظر نسبت به مسائل ديني می پردازند.

آنها بر كرسي حساس و دقيق و ظريف وعظ و موعظه تكيه زده و دستورالعمل­هایی را صادر مي‌كنند؛ و چون بهره­ی علمي و معرفتي كافي را نبرده­اند و تخصص لازم را در حوزه­ی دين كسب نكرده­اند، اي بسا مستمعین و مريدان خود را به افراط­ها و تفريط­ها كشانده و خسارات دنيوي و اخروي و معنوي غيرقابل جبراني را متوجه آنان و جامعه مي‌كنند.

اين­گونه روش با فطرت و روح دين و تعاليم اوليای عظيم الشأن آن «صلوات الله علیهم» ناسازگار مي‌باشد؛ لذا نبي اكرم -صلي الله عليه و آله- فرمودند: **« من اخذ العلمَ مِن اهله و عَمِل به نجي،هر كس علم را از اهلش فرا بگيرد و به آن عمل كند نجات يافته است.»**[[16]](#footnote-16)

وهمچنین حضرت امام علي -عليه السلام- فرمودند: **«بدانيد كه همنشيني با عالم و پيروي كردن از او يكي از آیین­های دين است و اطاعت از عالم، سبب رسيدن به حسنات و زدوده شدن سيئات است و خود ذخيره اي است براي مؤمنان و مايه­ی برتري زندگي آنان است».**[[17]](#footnote-17)

درسخن امام علی-عليه السلام-کاملا مشخص است که توصیه ایشان به همنشینی باعالمان است وبه پای خطبه وموعظه آنا نشستن می باشد،لذا ازکسی که عالم نیست وبدترخودرابه صورت عالمی نزدمردم نمایان می کند،نبایدپیروی کرد وموعظه ای گوش فراداد.

درجلسات مذهبی بانوان چه خوب است که از این مداحان عزیزباصدای مناسب وعلم مداحی،روضه،ونوحه خوانی استفاده کرد،اما به شرط اینکه مداحان در کنارعاطفه زیبایی که نسبت به ائمه دارند ،عنصرمعرفت ،شناخت،علم وسواد لازم درباره وقایع اهداف زندگانی ائمه رانیز داشته باشند.

در سفارش های ائمه بزرگوارمان شناخت و معرفت جايگاه ويژه­اي دارد،معرفت و شناخت مقام و منزلت و موقعيت آنان است و هر چه معرفت بيشتر باشد، زمينه­ی اطاعت و تسليم در برابر اوامر و نواهي آن انوار الهي بيشتر خواهد بود و با كمال تأسف، از آسيب ها و آفاتي كه كم و بيش در مجالس مذهبي مشاهده مي‌گردد، حذف يا تضعيف عنصر معرفت و شناخت و آگاهي است كه در درازمدت مي‌تواند آثار مخرب و غيرقابل جبراني را به دنبال داشته باشد.

بايد در عزاداري­هادر كنار توجه به بُعد عاطفي مصائب اهل بيت خصوصاً حضرت سيدالشهداء «عليهم السلام» روز به روز بر محتوا و غناي مجالسمان بيفزایيم كه اگر اين دو در كنار هم باشند فرد و جامعه و مكتب را از تمامي آسيب­هاي فكري و معنوي و تهاجمات فرهنگي و نظامي حفظ خواهند كرد و جامعه و فرد را از درون و برون متحوّل ساخته و به سعادت دنيا و آخرت می­رسانند؛

واگربعدعاطفی حذف شود بازهم مشکل فراوانی ایجاد می کند ومجالس فقط سخنرانی می شود. درکنار سخنرانی هااین عواطف است که جایگاه معرفت راتوسط قلب آدمی در روح ،خرد ومغز اومحکم می کند وتاثیر بیشتری خواهدداشت.

همانطور که شهید مطهري –رحمه الله علیه- می فرمایند:

هر مكتبي اگر چاشني اي از عاطفه نداشته باشد و صرفاً مكتب و فلسفه و فكر باشد، آنقدرها در روح ها نفوذ ندارد و شانس بقا ندارد. ولي اگر يك مكتب، چاشني­اي از عاطفه داشته باشد، اين عاطفه به آن حرارت مي‌دهد. معنا و فلسفه­ی يك مكتب، آن مكتب را روشن مي‌كند؛ به آن مكتب منطق مي‌دهد؛ آن مكتب را منطقي مي‌كند. بدون شك مكتب امام حسين «عليه السلام» منطق و فلسفه دارد؛ درس است و بايد آموخت. اما اگر ما دائماً اين مكتب را صرفاً به صورت يك مكتب فكري بازگو بكنيم، حرارت و جوشش گرفته مي‌شود و اساساً كهنه مي‌گردد[[18]](#footnote-18).

از يك سو مي‌توان با معرفت، با ابعاد مختلف مكتب تشيع آشنا شد و از سوي ديگر مي‌توان آگاهانه از طريق عاطفه با حضرات معصومين -عليهم السلام- رابطه اي عميق برقرار نمود.

801 زبان حال گوينده و سراينده

از آسیب هايي كه در مجالس بانوان ديده مي‌شود، روضه ها و مرثيه ها و اشعاري است كه در قالب زبان حال بیان مي‌گردد؛این آسیب شاید به جرات گفته شودکه ،دربسیاری ازمجالس وجود داشته باشد؛مداحان برای به گریه درآوردن بانوان ازهروسیله ای استفاده می کنند و ماجرای شهادت ائمه علیهم السلام- رابازبانی که هم زبان خودمداح است وبه دور از شان ائمه علیهم السلام- می باشدبیان می کنند.

زبان حال آنها هيچ تناسبي با محيط فرهنگي و تربيتي و روحيات و شخصيت مقام حضرات معصومين -علیهم السلام- و اصحاب فداكارشان ندارد و در حقيقت بايد گفت گوينده و سراينده، مطالبي كه ارائه مي‌دهد با فضاي تربيتي و روحي و خانوادگي و اجتماعي خودش سازگار بوده و در مقام توصيف حال خود مي‌باشد و زبان حال خود را مي‌كند نه زبان حال آن بزرگواران را؛به عنوان مثال، درباره حضرت سيدالشهدا -علیه السلام- گفته شود كه «شدم راضي كه زينب خوار گردد» آیا نشان ذلت و خواري و زبوني و وهن مقام امام نمی­باشد.

زبان حالي پذيرفتني است كه حقيقتاً زبان حال باشد و آن در صورتي است كه با شرایط و ويژگي ها و محيط آن واقعه­ی تاريخي و عظمت شخصيت و علو مقام آن بزرگواران تناسب داشته باشد و مستمع را از اهداف و ساحت قدس آنان دور نكند.

**فصل دوم:آسیب های اخلاقی**

1. **آسیب های اخلاقی**

فضايل اخلاقي به مجموع ملكات و صفات راسخ نفساني اطلاق مي‌شود كه منشأ صدور افعال متناسب باآن مي‌شودودرمقابل رذايل اخلاقي قرار دارد. انسان همواره در جهت مزین شدن به فضایل اخلاقی وداشتن ارزش اخلاقی می باشد؛ تا درجهت کسب فضایل ومعرفت یابی نسبت به آنها گام بردارد، به همین دلیل در جامعه وگروهای مختص جنس خودحضور می یابد.

مسأله اخلاق در احاديثى كه از شخص پيامبر اكرم-صلى الله عليه وآله- و همچنين از ساير پيشوايان معصوم-عليهم السلام- رسيده است با اهمّيّت فوق العاده اى تعقيب شده، كه به عنوان نمونه در حديث معروفى از پيامبر اكرم-صلى الله عليه وآله-مى خوانيم:**«اِنَّما بُعِثْتُ لاِتَمِّمَ مَكارِمَ الاْخْلاقِ; من تنها براى تكميل فضائل اخلاقى مبعوث شده ام.»**[[19]](#footnote-19)

در حديث ديگرى از رسول خدا-صلى الله عليه وآله- آمده است كه فرمود:

«جَعَلَ اللّهُ سُبْحانَهُ مَكارِمَ الاْخْلاقِ صِلَةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبادِهِ فَحَسْبُ اَحَدِكُمْ اَنْ يَتَمَسّكَ بِخُلُق مُتَّصِل بِاللّهِ; خداوند سبحان فضائل اخلاقى را وسيله ارتباط ميان خودش و بندگانش قرار داده، همين بس كه هر يك از شما دست به اخلاقى بزند كه او را به خدا مربوط سازد.»[[20]](#footnote-20)

بنابراين، هر فضيلت اخلاقى رابطه اى ميان انسان و خدا ايجاد مى كند و او را گام به گام به ذات مقدّسش نزديكتر مى سازد.

زندگى پيشوايان دينى نيز سرتاسر بيانگر همين مسأله است كه آنها در همه جا به فضائل اخلاقى دعوت مى كردند، و خود الگوى زنده و اسوه حسنه اى در اين راه بودند .لذاحضورانسان درمجالس منتسب به این بزرگواران برای مزین شدن به فضایل اخلاقی می باشد .

بانوان باشرکت در این جلسات فقط به سوگواری یا شادی کردن نباید برسند بلکه به معرفت والایی باید دست یابند که از طریق آن خودراازرذایل پاک کرده وبه فضایل اخلاقی دست یابند .

تمامی مسائل اخلاقى آثارگرانبهایی را در زندگى فردی واجتماعى بشر دارد، اعم از مادّى و معنوى، و جامعه انسانيّت منهاى اخلاق به باغ وحشى تبديل خواهد شد كه تنها قفسها مى تواند جلو فعّاليّتهاى تخريبى اين حيوانات انسان نما را بگيرد، نيروها به هدر خواهد رفت، استعدادها سركوب خواهد شد، امنيّت و آزادى بازيچه دست هوسبازان مى گردد و زندگى انسانى مفهوم واقعى خود را از دست مى دهد.

بى شك وضع محيط اجتماعى زندگى انسان اثر فوق العاده اى در روحيّات و اعمال او دارد چرا كه انسان بسيارى از صفات خود را از محيط كسب مى كند. محيطهاى پاك غالباً افراد پاك و محيطهاى آلوده غالباً افراد آلوده را پرورش مى دهد.

اینگونه مجالس هم میتواند در شکل گیری شخصیت اخلاقی فرد تاثیر بسزایی بگذارد،چه بسا که نکته های اخلاقی-خوب یابد-راازافرادداخل جلسه از مداح ویاموعظه گو وسخنران یاد بگیرد ودرذهن او نهادینه شود.

اخلاق فضیله یارذیله گاهی دراعمال صاحب جلسات ،مداح،سخنران وشرکت کننده هاکاملا مشهود است. اگراخلاق رذیله دروجود هریک ازاینها دیده شود فرد شرکت کنندهازحضوردرجلسات امتناع می کند .

از رذایل اخلاقی در این جلسات پیش آمده باید آسیب شناسی کرد تامورد شناسایی باشد وازتکرارآن جلوگیری شود.

ازجمله این رذایل اخلاقی می توان به مواردی چنداشاره کرد:ریاکاری،غیبت، درنظرنگرفتن حق شوهر برزن، مدگرایی وحجاب نامناسب.

**الف - ريا كارى**

نقطه مقابل اخلاص «ريا» است، كه در آيات و روايات اسلامى از آن مذمّت شده است و آن را عاملى براى بطلان اعمال و نشانه اى از نشانه هاى منافقان و نوعى شرك به خدا معرفى كرده اند.

رياكارى تخريب كننده فضائل اخلاقى و عاملى براى پاشيدن بذر رذائل در روح و جان انسانهاست.رياكارى اعمال را تو خالى و انسان را از پرداختن به محتوا و حقيقت عمل باز مى دارد.

انسان ریاکاردرپی خوب جلوه دادن خود وخودنمایی در این مجالس می باشد،ازهرروشی برای نمایشی ساختگی استفاد میکند.هیچگاه نمی تواند ارادت خالصانه خودرابه ائمه نشان دهد.واین کاملا دراعمال اوپیداست وبه هیچ عنوان رنگ وبوی الهی ندارد.

خداوند درباره ریاکاران درقرآن کریم می فرمایند:

اِنَّ الْمُنافِقينَ يُخادِعُوْنَ اللّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ اِذَا قَامُوا اِلَى الصَّلوةِ قَامُوا كُسَالى يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَ لا يَذْكُرُونَ اللّهَ اِلاّ قَلِيلاً؛ منافقان مى خواهند خدا را فريب دهند در حالى كه او آنها را فريب مى دهد و هنگامى كه به نماز بر مى خيزند با كسالت بر مى خيزند و در برابر مردم ريا مى كنند و خدا را جز اندكى ياد نمى نمايند.[[21]](#footnote-21)

اين نكته قابل توجّه است كه نفاق نوعى دوگانگى ظاهر و باطن است و رياكارى نيز شكل ديگرى از دوگانگى ظاهر و باطن مى باشد چرا كه ظاهر عمل الهى و باطن آن شيطانى و ريائى است و به خاطر جلب توجّه مردم! بنابراين، طبيعى است كه ريا جزء برنامه منافقان باشد.

گناه ريا به قدرى عظيم است كه چيزى با آن برابرى نمى كند و اين به خاطر آثار بسيار بدى است كه ريا در فرد و جامعه و در جسم و روح انسان ايجاد مى كند.

از امامان معصوم-عليهم السلام- احاديث تكاندهنده اى دراین باره ديده مى شود، از جمله در حديثى از امام صادق-عليه السلام- مى خوانيم كه از جدّبزرگوارشان نقل مى كنند:

سَيَأْتى عَلَى النّاسِ زَمانٌ تَخْبُثُ فيهِ سَرائِرهمْ وَ تَحُسنُ فيهِ عَلانِيَّتُهُم، طَمَعاً فى الدُّنيا لايُريدُونَ ما بِهِ عِنْدَ رَبِّهِم يَكُوْنَ دِيُنهُم رِياءً، لايُخالِطُهُمْ خَوْفٌ يَعُمُّهُمُ اللّهُ بِعِقاب فَيَدْعُونَهُ دُعاءَ الْغَريقِ فَلايَسْتَجِيبُ لَهُمْ; زمانى بر مردم فرا مى رسد كه باطن آنها آلوده و ظاهرشان زيبا است، و اين به خاطر طمع در دنيا مى باشد، هرگز آنچه را نزد پروردگارشان است اراده نمى كنند، دين آنها ريا است،و خوف خدا در قلبشان نيست، خداوند مجازاتى فراگير بر آنها مى فرستد و آنها همچون فرد غريق او را مى خوانند ولى دعاى آنان را اجابت نمى كند.[[22]](#footnote-22)

**ب - غیبت**

اگر انسان پيش از آن كه شروع به سخن گفتن كند در محتوا و انگيزه و نتيجه سخنان خود كمى بينديشد، بسيارى از لغزشهاى زبان و گناهان، از او دور مى شود. بى مطالعه سخن گفتن انسان را در انواع گناهان غوطه ور مى سازد.

و در تعبيرى از امام حسن عسكرى - عليه السلام - چنين مى خوانيم: **«قَـلْبُ الاْحْـمَقِ فى فَمِهِ وَ فَمُ الْحَكِيمِ فى قَلْبِهِ; قلب نادان در دهان اوست، و دهان دانا در دل او.»**[[23]](#footnote-23)

بديهى است مراد از قلب در اين جا همان عقل و فكر است، و بودن زبان در جلو قلب، يا در عقب آن، كنايه از تفكّر و انديشه درباره محتواى سخن يا عدم آن است.

در حديثى از اميرمؤمنان على - عليه السلام - جامع همه مباحث بالا آمده است: **«اِنْ اَحْبَبْتَ سَلامَةَ نَفْسِكَ وَسَتْرَ مَعايِبِكَ فَاقْلِلْ كَلامَكَ وَاكْثِرْ صَمْتَكَ، يَتَوَفَّرْ فِكْرُكَ و يَسْتَنِرْ قَلْبُكَ; اگر دوست دارى از سلامت نفس برخوردار شوى و عيوب و كاستيهايت پوشيده بماند، كمتر سخن بگوى و بيشتر خاموش باش تا فكرت قوى، و قلبت نورانى گردد.»**[[24]](#footnote-24)

هر يك از انحرافات و گناهان زبان مانند :غيبت و تهمت و دروغ و سخن چينى و نشر اكاذيب و اشاعه فحشاء و غير آن درمجالس بانوان دیده می شود،بانوان محترم به دید دلسوزی یاارائه راهکار به این مسائل می نگرند.امااینهااز رذایل اخلاقی زبان هستندکه انسان رابه اعماق تاریکی هابرده وروح معنویت آنها راآلوده می کنند.ودراین جلسات هیچ ثواب ومعرفتی برای آنها کسب نمی شود.

خداوند درقرآن کریم درباره آن می فرماید:**«... وَلا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضاً اَيُحِبُّ اَحَدُكُمْ اَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ اَخيهِ مَيْتاًفَكَرِهْتُمُوه؛...و هيچ يك از شما ديگرى را غيبت نكند، آيا كسى از شما دوست دارد كه گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به يقين همه شما از اين امر كراهت داريد».**[[25]](#footnote-25)

در این آيه، قرآن با صراحت از سه چيز نهى مى كند كه در واقع علّت و معلول يكديگرند. نخست از گمان بد، و بعد از تجسّس، و سرانجام از غيبت. روشن است گمان بد انسان را وادار به تجسّس در احوال ديگران، و كشف اسرار آنها مى كند و از آنجا كه هر انسانى ممكن است عيب و نقصى داشته باشد كه با تجسّس كشف شود، اطلاع بر آن عيب پنهانى سبب غيبت مى گردد.ولى قرآن مجيد در اين آيه براى غيبت اهميّتى بيش از مسأله گمان بد و تجسّس قائل شده است.

غيبت از گناهانى است كه عوامل بى شمارى دارد، كه هر كدام به تنهايى مى تواند سرچشمه غيبت شود، از جمله: حسد،خودخواهى و خود برتر بينى ، غرور و نخوت،انحصارطلبى،كينه توزى ، جاه طلبى، دنيا پرستى و علاقه به مال و مقام،رياكارى،تزكيه نفس و اظهار پاكى و تقوا، ايجاد سرگرمى ناسالم، سوء ظن، انتقام جويى ،تشفّى قلب و فرونشاندن غضب، سخريه و استهزاء و امور ديگرى از اين قبيل.

درمجالس مذهبی صاحب مجلس بایدعوامل غیبت گویی رادرحدامکان خود،از آن جلسه حذف کند تا بانوان مرتکب این گناه عظیم نشوند واز آن جلسه معنویت خالصی کسب کنند.

اگرغيبت دست كم گرفته شود آثار مخرّب زيادى در جامعه انسانى ونهادهای آن ازجمله همین مجالس مذهبی، دارد كه خطر آن بيشتر خواهد بود، اضافه بر اين، آثار سويى از نظر روحانى و معنوى و عقوبت هاى الهى نیزدارد.

#### غيبت مهمترين سرمايه جامعه يعنى -سرمايه اعتماد- را از بين مى برد، زيرا غالب اشخاص داراى نقاط ضعفى هستند كه سعى در كتمان آن دارند اگر آنها پوشيده بمانند، اعتماد مردم نسبت به يكديگر باقى و بر قرار خواهد بود.ولى كشف آنها بى اعتمادى عجيبى ايجاد مى كند، و مى دانيم اساس حضور فعال همه اقشار درنهادها ومجالس جمعی واجتماعى از جمله همین جلسات مذهبی، اعتماد متقابل افراد جامعه نسبت به يكديگر است، و بدون آن جامعه به جهنم سوزانى تبديل مى شود كه مشكلات پایدار است ولى منافع آن از بين خواهد رفت.

غيبت سرچشمه سوء ظن نسبت به همگان است، زيرا هنگامى كه عيوب مخفى جمعى از افراد از طريق غيبت آشكار گردد، انسان نسبت به همه پاكان و نيكان هم بدبين مى شود، ودرنزد خودمی نگرد که آنهانیز در بیرون این مکان جمعی به آن اعمال زشت مبتلا هستند وآن کارهاراانجام می دهند.

ممکن است این سوء ظن را نسبت به سخنران،مداح،صاحب مجلس وحتی شرکت کننده ها و.....داشته باشد به همین دلیل گمان می برد که تمامی حرفهای آنا دروغ است وحضور در این جلسات بی فایده است به همین دلیل از آن پس درهیچ مجلسی شرکت نخواهد کرد.

وحتی ممکن است ديگران نيز تشويق به آن گناه شوند، و اصولا ابهّت گناه از بين مى رود، و عذر و بهانه اى براى آلودگان مى شود كه اگر ما چنين مى كنيم فلان كس كه از ما بهتر و آگاهتر است نيز مرتكب اين عمل مى شود.

در حديثى از امام صادق(عليه السلام) مى خوانيم كه فرمودند:

«مَنْ قالَ فى مُؤْمِن مارأتْهُ عَيْناهُ وَ سَمِعَتْهُ اُذُناهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ اَنْ تَشيْعَ الْفاحِشَةُ فِى الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ اَلِيْمٌ; كسى كه درباره مؤمنى آنچه را چشمش (از بدى ها) مى بيند، و گوشش مى شنود و بگويد، او از كسانى است كه خداوند متعال در حق آنان فرموده: كسانى كه دوست دارند، كارهاى زشت در ميان مؤمنان شايع شود، عذاب دردناكى دارند».[[26]](#footnote-26)

البته غیبت سبب ایجاد مشکلات وگناهان دیگری هم می شود،ازجمله كينه و عداوت و بغض ،غيبت كننده را از چشم مردم مى اندازد.

غیبت آثارمعنوی نیز دارد .فرد غیبت کننده حسنات خودرانابود می کند،دین خودراازبین می برداگرهم بخشیده شود آخرین کسی است که وارد بهشت می شود،سبب رسوایی وقبول نشدن اعمال می شود؛حال کسی که برای کسب معنویات دراین جلسات حضور می یابد وطلب مغفرت وآمرزش دارد تاروحش پاک وخالص شود باعمل غیبت چگونه به موفقیت دست می یابد.

**ج - درنظرنگرفتن حق شوهر برزن**

قسمت عمده ای از استحکام پایه های زندگی، در گرو رعایت حق شوهر از جانب زن وبالعکس است.زن وشوهر باید حقوق همدیگررارعایت کنندوامرناپسندی مشتمل برنادیده گرفتن همسر راانجام ندهند.اینگونه پایه های زندگی مستحکم وجامعه از بی بندباری دور می شود.

زنان جامعه با تربیت فرزندان صالح وهمراهی همسران موفق به پیشبرد جامعه اسلامی کمک می کنند اگردراین راه مهم خطاولغزشی داشته باشند فرزندان وهمسرانشان به تباهی وگمراهی کشیده می شوند.

یکی از این حقوق اجازه گرفتن زن از همسرش می باشد،زن برای حضور در هرمکانی درجامعه باید ازهمسر خوداجازه بگیرد،ومردنیزبنابه مصلحت همسر وخانواده خود میتواند اجازه خروج همسرش را بدهد یا نه ازاین کار اجتناب کند.

متأسفانه این واقعیت بسیار سودمند، یعنی وجوب اطاعت زن از شوهر در بیرون رفتن از خانه از جانب بسیاری از زنان، که از حیثیت الهی زن بودن خود دست برداشته اند، و برای خود نسبت به شوهرشان مردی قائلند تعطیل شده است. اگر بیرون رفتن زن از خانه به طور آزاد و دلخواه مصلحت بود، خداوند مهربان، آن را درگرو اجازه شوهر قرار نمی داد.

در برخی ازجلسات بانوانی حضور می یابند که هیچ گونه اجازه ای از همسر خود برای حضور ندارند،وگاهی نیز بدون اطلاع همسر به جلسات می آیند .این یک آسیب بزرگی است که به خانواده وارد می شود؛کم کم حدومرزخانواده ازبین می رود،گاهی بانوان برای حضوردرجلسات ازفرزندان خودنیز غافل می شوند،فرزنددختر وپسرخودرا درجامعه بدون سرپناهی رهامی کنند.

حضوربانوان دراین جلسات اگربارعایت تمام ضوابط اخلاقی باشد بسیار سودمند واقع می شود. حضوربانوان در جلسات مذهبی مفید می تواند برای تربیت صحیح فرزندان همسرداری نیکو نیز کاربرد موثری داشته باشد.

 ازامام باقر-علیهم اسلام- آمده است که فرمودند: **زنی به خدمت رسول خدا صلّی‌الله علیه وآله شرفیاب شد و عرض کرد حقّ شوهر بر زن چیست؟** حضرت فرمودند:

تطیعه و لا تعصیه، و لا تصدّق من بیت‌ها شیئاً الّا باذنه، و لا تصوم تطوّعاً الّا باذنه، و لا تمنعه نفس‌ها و ان کانت علی ظهر قفت، و لا تخرج من بیت‌ها الّا باذنه، فان خرجت بغیر اذنه لعنت‌ها ملائکة السّماء و ملائکة الارض و ملائکة الغضب و ملائکة الرّحمة حتّی ترجع الی بیت‌ها. زن باید که فرمانبردار شوهر باشد و از او نافرمانی نکند، از متاع خانه چیزی بدون اجازه شوهر صدقه ندهد، روزه مستحبّی نگیرد مگر به اذن شوهر، او را از خود منع نکند اگر چه بر جهاز شتر باشد، و بدون اذن شوهر از خانه بیرون نرود، که اگر بدون اذن او بیرون رود فرشتگان زمین و آسمان و فرشتگان رحمت و عذاب او را لعنت کنند تا به خانه‌اش باز گردد[[27]](#footnote-27).

همانطور که درروایت امام-علیهم اسلام- آمده است زن حتی برای نذورات خودنیز باید ازهمسرش اجازه بگیرد.وازآنچه شوهردرخانه برای اوآماده کرده است چیزی را بدون اجازه اش به صدقه اختصاص ندهد.

یکی از عیوب جلسات بانوان ، ادای برخی از نذورات بدون اجازه همسر است که هر چند به ندرت چنین جلساتی بر گزار می شود ، اما در برخی موارد که پذیرایی ها با صرف هزینه هایی همراه می شود، که فشار اقتصادی بر خانواده وارد می کند و با رضایت کامل همسر همراه نیست .

حضور طولانی‌مدت زنان در این مجالس و غفلت از وظایف زناشویى، صرف هزینه‌های هنگفت، اتلاف وقت و نبود برنامه‌ریزی صحیح، نداشتن استراتژی واحد و تأثیرات کوتاه‌مدت و هیجانى، خودجوش بودن مراسم عزاداری بانوان از آسیب‌های موجود در این مراسم است ،که بنیان خانواده راسست می کند .

**د – مدگرایی وحجاب نامناسب**

مد اگر به معنای شیوه متداول زمان در شئون زندگی اجتماعی و طرز زندگی و پوشش باشد، امری پسندیده و ارزشی است. اما مدگرایی به معنای روش افراطی، یک ضد ارزش بشمار می‌رود.

امیرمومنان علی -علیهم اسلام- می‌فرماید: «**باید فرزند زمان خود باشیم.»**[[28]](#footnote-28) انسان بایدمطابق زمان وروزگارخود زندگی کند.ودرحدمیانه روی واعتدال این پیروی از زمانه راداشته باشد.

امانبایدآن رابه سمت افراط یاتفریط بکشاند.مردم باید دارای فرهنگ زمانه خودشان باشند و مدگرایی به این معنا اصولا از لوازم زندگی و ضرورت‌های آن است. انسان‌ها خواسته و ناخواسته براساس مد و فرهنگ زمانه عمل می‌کنند.چراکه این اقتضای زمان زندگی کردن است.

در دوران زنگی امروزِ،جریانات وتحولات فراوانی وجود دارد وانسان برای زندگی در جامعه امروزی وبهره گیری مناسب از آن مجبور به اطاعت برخی ازاین مدها است.به طور مثال ارتباطات نمونه بارزی است که هرروزه دچار تغییر است وبه نوعی مد حساب می شود،انسان برای برقراری ارتباط خود باافرادمختلف،کسب وکار نیازمند به توجه وپیروی ازاین مد می باشد. اگر کسی بخواهد با این جریان مخالفت و یا عقب‌نشینی کند در حقیقت به خود ضربه زده است.

گاهی مدگرایی به طور واضح در مجالس مذهبی بانوان مشاهده می شود ،آنهابرای فخرفروشی وچشم وهم چشمی با بانوان دیگر به پیروی ازمد خودرا می آرایند؛غافل ازاینکه درشاید درمجلس فاطمه زهرا-سلام الله علیه- شرکت می کنند،وفاطمه اطهر حتی لباس عروسی خودرابخشش کردند،چگونه از زندگی پربرکت ایشان درس نمی آموزند.

ازمهم ترین علت مدگرایی ، فطرت و ذات انسان ها است و آن هم حس کمال جویی و زیبا دوستی آن هامی باشد ولیکن صورت های افراطی آن یعنی مد پرستی نتیجه جهل و نا آگاهی و ضعف ارزش های معنوی و تبلیغات وسیع نظام های سرمایه داری و سود جو به وجود می آید . تبلیغات فریبنده کشورهای غربی جهت تضعیف نظام اعتقادی و ارزش های سایر جوامع بخصوص جوامع اسلامی ، همانند سازي، رقابت و چشم و همچشمي با ديگران،مدگرايي ناشي از دوستي، جلب توجه ديگران از دیگر علت های گرایش به مد می باشد؛تاجاییکه حتی این مدگرایی به مجالس ائمه-علیهم اسلام- وارد شده است .

در جلسات تشکیل شده بانوان ،بسیاری اززیورآلات ولباس هایی استفاده می شود که هیچ تناسبی بامجلس ندارند.حضوربانوان دراین جلسات برای نزدیکی آنها بادین ودرک واقعی آن است.اینکه بانوان هرآنچه مربوط به قشرخود در دین است،رافراگیرند ودرزندگی فردی وحتی اجتماعیشان آن رابه کارگیرند.

برخی ازبانوان به بهانه اینکه جلسات مختلط نیست وهیچ گونه فیلم برداری یا عکاسی ازجلسات نمی شود؛ حجاب کاملی ندارندولباس ها وزیورآلاتی استفاده می کنندکه هیچ شانیتی باجلسات ندارد وباعث حواس پرتی،غیبت،تهمت وفخرفروشی می شود واز خلوص نیت مجلس وجمع می کاهند.

باید توجه کنیم که داشتن پوشش كامل ،ساده ،پاکیزه وطاهردر جلسات منتسب به ائمه، نوعى ادب و احترام به ساحت قدس ربوبى است. از اين ‏رو براى مرد نيز پوشش وبرهنه نشدن درهیئت هاهمين ادب حضور رادرپیش دارد.

پیامبر-صلی الله علیه وآله-نیز دررابطه بافخرفروشی می فرمایند: **«من لبس ثوباً يباهي به، ليراه الناسُ لم ينظر الله اليه حتي ينزعه؛هر فردي كه براي مباهات و فخر فروشي و به خاطر خودنمايي لباس بپوشد، خداوند تا زمانيكه آن لباس را پوشيده است به او نگاه نمي كند. »**[[29]](#footnote-29)درصورتی که بانوان به منظور نزدیک شدن بیشترباخداوند به جلسات می روند ،وقصدکسب معنویت بیشتری دارند.

فصل سوم:آسیب های اجتماعی

**3- آسیب های اجتماعی**

گرچه در دین مبین اسلام، تشکیل جلسات دینی-مذهبی برای ائمه مورد سفارش بسیاری قرار گرفته است، اما هیچکس حق ندارد که به بهانه این امر مهم، اصول اجتماعی را زیر پا نهاده و هر امر خلاف شرع و خلاف عرفی را به نام دین انجام دهد.

آسیب زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقّی می شود.

در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجاراجتماعی وجود دارد؛معیار تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه های دینی تعیین می شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقّی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقّی شود. برای مثال، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجار شکنی تلقّی نمی شود. ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و در ملأ عام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقّی شده، مجازات سختی هم از نظر دینی و شرعی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می باشد.

بنابراین، معیار مهم تشخیص رفتارهای نابهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقّی می شود.

بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی افراد به آموزه های دینی باشد.

شرکت دراین جلسات ازعوامل مهم کاهش آسیب اجتماعی است،امامتاسفانه افرادشرکت کننده درمجالس بادرنظرنگرفتن توصیه دین ومکتب اسلام وائمه –علیهم السلام- می توانند ضربه های مهلکی را به جامعه بزنند.وآسیب هاییرادرجامعه به وجودآورند.ازجمله این آسیب ها تجمل گرایی،

**الف- تجمل گرایی**

تجمل گرایی، اسراف، تبذیر، چشم و هم چشمی هاو بالاخره بی توجهی به قناعت، اگر آن راجزء یک بیماری روحی و روانی ندانیم، به طور قطع یک بیماری اجتماعی است که از یک سو معنویّت را در افراد می خشکاند و از سوی دیگر، می تواند به یک معضل برای جامعه تبدیل شود، خصوصاً زمانی که به عنوان یک فرهنگ معقول و یک هنجار اجتماعی مورد پذیرش قرار بگیرد.

*اسراف به معنای تجاوز از حد و زیاده روی کردن است و آن یا از جهت کیفیت است که صرف کردن مال است در موردی که سزاوار نیست ... و یا از جهت کمیّت است و آن صرف کردن مال است در موردی که سزاوار است لیکن بیشتر از آنچه شایسته است و بعضی صرف مال را در موردی که سزاوار نیست، «تبذیر» گفته اند و صرف مال را در زیادتر از آنچه سزاوار است، اسراف دانسته اند...[[30]](#footnote-30)*

به هرحال کلماتی چون اسراف،تبذیر،تجمل،چشم وهم چشمی در یک باب وتعریف قرار می گیرند،وآنهامقابل قناعت وجزءگناهان کبیره محسوب می شوند.

خداونددرقرآن کریم به میانه روی توصیه کرده است ومی فرمایند:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَكَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ؛پروردگارم به میانه روی (در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط) فرمان داده و (امر فرموده): در هر مسجدی(به هنگام عبادت)روی(دل) خود را (آن گونه) متوجه خدا کنید (که از هر چیزی غیر او مُنقطع شود)، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، (پس از مرگ به او) بازمی گردید.[[31]](#footnote-31)

به ظاهر این مجالس برای تعلم خاطر در سوگ شهادت وشادی ولادت ائمه -علیهم السلام- برگزار می‌شود، اما گاهی تشریفات در نحوه پذیرایی و یا نوع پوشش، هماهنگی با روح مسائل دینی ما ندارد.

بانوان دراین جلسات به جای یادگیری زندگی فاطمی یقینا چیزهایی رافرامی گیرند که پایه واساس زندگیشان وجامعه راروبه خرابی وتزلزل می کشانند. اسراف‌ها با حماسه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و فرهنگ فاطمی سازش ندارد، به همین دلیل باید در این‌گونه مجالس ‌ساده‌زیستی اولویت رفتار قرار گیرد .

به طور مثال وقتی درمجلس بانوان منتسب به امام حسن مجتبی-علیهم السلام- این همه وقت و هزینه برای سفره های نذری با این همه تشریفات و تجملات گذاشته می‌شود یقیناً از آن پیام واقعی و خوی حسنی و از آن منش امام حسن مجتبی-علیهم السلام- که در برخورد و همنشینی با مردم داشته دور می‌شوند. کریمه اهل بیت-علیهم السلام- توصیه به بخشش وانفاق داشته ودرزندگی خود ازهرتجملی دور بوده اند.البته همه ائمه-علیهم السلام- اینچنین زندگی داشته اند ؛لذادرمراسم ائمه-علیهم السلام- نباید ازتجملاتی وجودداشته باشدکه مخالف زندگی وتوصیه های ایشان باشد.

ب - بی توجهی یا کم توجهی به حقوق مردم

یکی از بزرگترین نعمت ها برای بشر،داشتن آزادی در نحوه فعالیت هاست؛اسلام باتاسیس«اصل نظارت عمومی»وبا گماردن ماموران نظارت ،آزادی بشر رادرانظارعمومی به طرز صحیحی به قوانین عقل وشرع محدود نموده وآزادی دراجتماع را درچارچوب قوانین متین اسلام محدود ومعین کرده است.وبشر،دراجتماع تاآنجاآزاداست که به سعادت خود ودیگران لطمه ای نزد وحرامی مرتکب نشود وواجبی راترک نکند.

عدم رعایت حقوق همسایگان و بیماران و آزار و اذیت آنان از برکات هیئت های مذهبی می­کاهد و به مجالس عزاداری آسیب می رساند و اگر ضرورتی اقتضا کرد، بسیار پسندیده است که رضایت ساکنان اطراف جلب گردد.

امروزه خانه هابه صورت آپارتمان هست،باتوجه به نزدیک بودن واحدهای مسکونی به هم انگونه مجالس شاید باعث مزاحمت دیگران شود.چه خوب است بارضایت همسایگان این امرصورت پذیردهم ثواب مجلس ازبین نمی رود ونیز این مسئله در فرهنگ جامعه پایه گذاری می شود.رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمودند: «جبرئیل چندان درباره­ی همسایه به من سفارش کرد که گمان کردم ارث می برد».[[32]](#footnote-32)

رعایت حقوق همسایگان حتی اگر مجلس هیچ گونه مزاحمتی نداشته باشد بازهم باعث ایجاد نوعی فضای تبلیغ می شود تاسفارشات اسلام وپیامبر انجام گیرد.چراکه پیامبر-صلی الله علیه وآله- فرمودند: «حرمت همسایه بر آدمی همچون حرمت مادر است».[[33]](#footnote-33) و نیز فرمودند: «هر کس مؤمنی را آزار کند، مرا آزار کرده است.»[[34]](#footnote-34)

مجالس بانوان ازحیث ایجاد سروصدا به ندرت مزاحمتی ایجاد می کنند اما بعضی ازمجالس شلوغ ترهستند درخانه های آپارتمانی تشکیل می شود،ممکن است بانوان شرکت کننده وسیله نقلیه همراه داشته باشند ؛یاهرمسئله دیگری که رخ دهدلذاداشتن رضایت همسایه بهترین امری است که میتواند از آسیبهای ایجادشده جلوگیری کند.

ج - غفلت از مصالح جهان اسلام

درمجالس مذهبی بانوان به مسائل روز توجه خاصی نمی شود گاهی آقدرغفلت صورت می گیردکه ممکن است حتی دلیل تشکیل جلسه نیز بین نشود.پس از آسیب هایی که در بعضی از مجالس مذهبی دیده می­شود غفلت و کم توجهی نسبت به مصالح کنونی جهان اسلام، خصوصا مذهب تشیع است. امروزه بیش از هر زمانی دشمنان اسلام و انقلاب درصددند تا بین شیعیان و اهل سنت اختلاف ایجاد نمایند و آنان را به تفرقه و رویارویی با یکدیگر بکشانند.

تفرقه و اختلاف موجب هدر رفتن نیروها ی جامعه و امت اسلام می­شود. لذا از هر گفتار و رفتار تفرقه­آمیز و هر عملی که با مصالح اسلام و مسلمین سازگار نبوده و آسیاب دشمنان را تندتر می­کند، باید پرهیز کرده و با وحدت و یک­پارچگی، دشمنان را به انفعال واداشته و اهدافشان را یکی پس از دیگری خنثی نمود.

البته باید توجه داشت که مراد از وحدت بین شیعیان و اهل سنت، هرگز به معنای دست برداشتن از عقیده­ی حق نمی­باشد؛ بلکه مراد از وحدت، وحدت بر اساس اصول و عقاید مشترک و تکیه بر اشتراکات حق مورد قبول دو طرف و کوشش در راستای تقویت مشترکات و ایستادگی و مقاومت در مقابل دشمن مشترک می­باشد.

امام خمینی - رحمه الله علیه – دروصیت نامه سیاسی – الهی خود درباره مصالح جهان اسلام وهمچنین بیدادگران وفریاد مظلومان می فرمایند:

و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین ـ صلوات وافر الهی و انبیا  و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد ـ هیچ‌گاه غفلت نکنند. و بدانند آنچه دستور ائمه ـ علیهم السلام ـ برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران  ستم‌پیشه در طول تاریخ الی الابد. و می‌دانید که لعن ‌و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه ـلعنه‌ الله‌ علیهم ـ با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم‌‌شکن است.[[35]](#footnote-35)

لذاامام خمینی – رحمه الله علیه – لزوم توجه کافی ومناسب نسبت به مصالح جهان اسلام بیان می کنند واین مسئله مهم رامربوط به ائمه وبه خصوص زندگانی امام حسین –علیه سلام – و واقعه کربلا می دانند،پس رابطه بسیارنزدیکی مابین مسائل امروزی وگذشته ائمه –علیه سلام – وجود دارد،که می توان با نقل این مسائل مهم وحیاتی درمجالس مذهبی بانوان ،آنهاراآگاه کرد.

د - توهم موفقیت

موفقیت هنگامی به دست می آید که انسان اهداف مربوط به عمل موردنظر رابه طور کامل انجام دهد.اگر برای انجام عملی به مسائل دیگر توجه شود،آن عمل صحت خودراازدست می دهد.بعضی از افراد موفقیت عمل خودرادر جوانب آن می دانند .امام على -علیه السلام- درباره موفقیت انسانهادرعبادات خود می فرمایند:« طَاعَة الله سُبحانَه لا یَحُوزها إلاّ مَن بَذل الجِدّ واستَفرَغ الجَهد،به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی که تلاش کند و نهایت کوشش خود را به کار گیرد.»[[36]](#footnote-36)

اگرانسان نهایت تلاش خودرابرای به ثمررساندن توصیه های ائمه-علیه السلام-به کارگیرد می تواند درتمام زمینه های مذهبی یاغیر مذهبی به موفقیت کاملی دست یابد.

اما در نظر بعضی از گردانندگان هیئت های مذهبی، هیئتی موفق تر است که پرداختن به جنبه­های ظاهری در آن بیشتر باشد، نظیر داشتن جمعیت زیاد، تنوع غذا، تزیینات برتر؛ برخورداری از بهترین ابزار صوتی و آلات موسیقی ومداح برجسته و... می باشد.

در مجالس و هیئت­هایی که چنین توهم موفقیتی حاکم است، بانیان و مستمعین عزادار، از مسیر و فلسفه و هدف اصلی عزاداری­ها دور شده و بر طبل کمیّت محوری و بی­توجهی یا کم توجهی به کیفیت نواخته می­شود، تا جایی که چنین مجالسی که باید مطّهر حاضرین از آلودگی های رفتاری و باطنی باشد خود به انواع آلودگی ها مبتلا شده و زمینه­ی مبتلا شدن به گناهان و محرمات را نیز در دیگران فراهم می سازد.

بخش سوم:راهکارهای مفید

**راهکارهای مفید**

مجالس مذهبی بانوان مکانی برای برپایی عزاوماتم وهمچنین سرور وشادی ائمه- علیه السلام- می باشند. برپایی مراسم ماتم وسروردر سوگ خوبان و اولیاء خدا امری است که ریشه در قرآن و سیره نبوی-صلی الله علیه وآله- وسیره امامان-علیه السلام- دارد. این مراسمات مذهبی مصداق مودت اهل بیت-علیه السلام- است و مصداق فریاد مظلوم علیه ظالم است. آسیب های موجود دراین مجالس مصیبتی عظیم برپیکره آن وحتی دین می باشد.همانطور که این مجالس انسان ساز هستند ودین رازنده نگه می دارند،اگر آسیب های آن اصلاح نشود،موجب نابودی انسان ودین می شود چراکه این مجالس ،شعائردین اسلام ومحکم کننده آن است.

دراین فصل به بررسی راهکارهایی مفید برای آسیب زدایی ازمجالس می پردازیم.

**الف - تبلیغ مناسب**

تبلیغ، رساندن [مجموعه](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AC%D9%85%D9%88%D8%B9%D9%87) [اطلاعاتی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9) به [مخاطب](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AE%D8%A7%D8%B7%D8%A8) به منظور [اقناع](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%82%D9%86%D8%A7%D8%B9) و برانگیختن [احساسات](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%D8%B3%D8%A7%D8%B3) او به [سود](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%AF) یا بر [ضد](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B6%D8%AF) یک [موضوع](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%B9) است. تبلیغ به معنای تبلیغات [دینی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AF%DB%8C%D9%86) [معادل](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%84) [دعوت](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AF%D8%B9%D9%88%D8%AA) است که معمولاً با اصطلاحاتی چون [وعظ](http://www.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%B9%D8%B8) و [خطابه](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%B7%D8%A7%D8%A8%D9%87) هم [مضمون](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B6%D9%85%D9%88%D9%86) است. از این عنوان در باب‌هایی نظیر [اجتهاد](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%87%D8%A7%D8%AF) و [تقلید](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%82%D9%84%DB%8C%D8%AF)، [طهارت](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%87%D8%A7%D8%B1%D8%AA)، [جهاد](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D8%AF)، [امر به معروف](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%B1_%D8%A8%D9%87_%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81) و [نهی از منکر](http://www.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%87%DB%8C_%D8%A7%D8%B2_%D9%85%D9%86%DA%A9%D8%B1) و [تجارت](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%AC%D8%A7%D8%B1%D8%AA) سخن گفته شده است.

[خدای](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7) [حکیم](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%DB%8C%D9%85)، [خلق](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%84%D9%82) را [عبث](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%A8%D8%AB) و [بیهوده](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A8%DB%8C%D9%87%D9%88%D8%AF%D9%87) نیافریده است؛ بلکه برای [غایتی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%BA%D8%A7%DB%8C%D8%AA) بزرگ و ارزشمند یعنی [معرفت](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%D8%AA) و [بندگی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A8%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C) خویش، [خلق](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%84%D9%82) کرده است.[تحقّق](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%AD%D9%82%D9%82) این [هدف](http://www.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%AF%D9%81) [عظیم](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%B8%DB%8C%D9%85) در [گرو](http://www.wikifeqh.ir/%DA%AF%D8%B1%D9%88) رهایی [بندگان](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A8%D9%86%D8%AF%D9%87) از [ظلمت](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B8%D9%84%D9%85%D8%AA) [نادانی](http://www.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB%8C) و روشن شدن دل و [جان](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AC%D8%A7%D9%86) آنان به [نور](http://www.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%88%D8%B1) [علم](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85) و [هدایت](http://www.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D8%AA) الهی است؛ چنان‏که در [آیات](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A2%DB%8C%D9%87) و [روایات](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%AA) متعدّد بر این مطلب [تصریح](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%B5%D8%B1%DB%8C%D8%AD) شده است.خداوند درقرآن کریم دراین باره می فرمایند:**«**[**وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَي اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحاً وَ قالَ إِنَّني‏ مِنَ الْمُسْلِمينَ**](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=41&AID=33)**؛چه کسی خوش گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید: -من از مسلمانانم-».**[[37]](#footnote-37)

لفظ آیه به طور کلی به صورت عام است یعنی خطاب به همه مردم می باشد اما به صورت خاص منظور باپیامبر-صلی الله علیه وآله- می باشد . اما چون هر فردی که به سوی خدا دعوت می کند معلوم نیست که غرضش درست باشد، لذابدنبال آیه شرط مربوط به دعوت وتبلیغ آمده است، که عمل صالح می باشد،یعنی برای تبلیغ شرط هایی هم لازم است تابه هدف نهایی برسد. چون عمل نشانه نیکو بودن نیت صاحب آن است ولی عمل صالح و دعوت به سوی خدا التزامی به اعتقاد حق صاحبش ندارد، به همین دلیل شرط دیگری اضافه نمود و آن این است که اعتقاد به اسلام داشته باشد، لذا اگر کسی اعتقاد به اسلام و عمل صالح داشت و آنگاه مردم را به سوی خدا دعوت کرد، سخن او نیکوترین گفتار خواهد بودوتبلیغ اومناسب تر است.

شرط های دیگری هم در آیات قرآن آمده است ازجمله:[بصیرت](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%B5%DB%8C%D8%B1%D8%AA) و [آگاهی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A2%DA%AF%D8%A7%D9%87%DB%8C) کافی نسبت به هدف و محتوای تبلیغ،[ایمان](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86) به هدف ، خودساختگی ، [اخلاص](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D8%B5) و عدم چشم‌داشت [مادّی](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A7%D8%AF%DB%8C)، [خوشرویی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%88%D8%B4%D8%B1%D9%88%DB%8C%DB%8C) و [سعه صدر](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%B9%D9%87_%D8%B5%D8%AF%D8%B1) ، [امید](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%DB%8C%D8%AF) به [وعده‌های](http://www.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%B9%D8%AF%D9%87%E2%80%8C) الهی و امید بخشی ،[علم](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85) دوستی و [کمال](http://www.wikifeqh.ir/%DA%A9%D9%85%D8%A7%D9%84) جویی ، [پشتکار](http://www.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%B4%D8%AA%DA%A9%D8%A7%D8%B1) و [شجاعت](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%AC%D8%A7%D8%B9%D8%AA) و [هراس](http://www.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%B1%D8%A7%D8%B3) نداشتن از کسی.

یکی ازشیوه های تبلیغ ،درمجالس مذهبی بانوان می باشد که دراین جلسات تبلیغ مناسب توسط مبلغی با بصیرت می باشد، که دراین صورت مبلغ می تواند بایادآوری نعمت های الهی،بیدارکردن وجدان مخاطب، [توجه](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%D8%AC%D9%87) دادن به [تجربه‌های](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%AC%D8%B1%D8%A8%D9%87%E2%80%8C) [تاریخی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE) و سرنوشت پیشینیان ،معرفی [الگو](http://www.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88) و الگوسازی درزندگی ائمه-علیه السلام- به اهداف اصلی جلسات یعنی امربه معروف وتبلیغ دین دست یابند.

بدون شک گسترش اسلام بیش از هر [عاملی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%A7%D9%85%D9%84) با [فعالیت‌ها](http://www.wikifeqh.ir/%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C) و [فداکاری‌های](http://www.wikifeqh.ir/%D9%81%D8%AF%D8%A7%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C%E2%80%8C) مبلغان دینی [پیوند](http://www.wikifeqh.ir/%D9%BE%DB%8C%D9%88%D9%86%D8%AF) داشته است ، به ویژه با توجه به این نکته که طبق [فقه](http://www.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87) اسلامی، [شرط](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%B7) [مقدّم](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%82%D8%AF%D9%85) جهاد، تبلیغ و دعوت است. قرار داشتن [منبر](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1) در کنار [محراب](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D8%A8) مساجد، نیز به صورت [نمادین](http://www.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D9%86)، وظیفه تبلیغی مقامات دینی را گوشزد می‌کند. وهمچنین وجودیک مبلغ دینی درکنارمداح درمجالس مهم بودن همین مسئله رایادآوری می کند .

در دهه‌های اخیر، [تحولاتی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84) جدّی در شکل سنّتی تبلیغ و [مفاهیم](http://www.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%81%D9%87%D9%88%D9%85) آن صورت گرفته و بررسی‌های [علمی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85%DB%8C) در این باب، انجام شده است. دراین راستا سازمان های تبلیغات شکل گرفته اند.دراینجامیزان آگاهی واعتماد مردم ضرورت دارد تا بااعتماد آنها نسبت به سازمان تبلیغات برای مجالس خود از این مراکز استعانت کنندوبرای تشکیل جلسات ازاین سازمان ها اطلاعات،مداح،سخنران ومبلغ حرفه ای درخواست کنند.

اما مسئله لازم دراینجا بررسی کامل جلسات و مداحان می باشد،ونظارت بیشری در این مسئله طلب می شود چراکه این مسئله کوچک وقابل گذشتی نیست بلکه فهم دین برای برخی ازمردم دراین جلسات شکل می گیرد وپایه واساس کشوراسلامی ازدین اسلام نشات می گیردپس نیازمند توجه بیشتری است.

دراین راستا بایدمداحان ضابطه مند وساماندهی شوندوکانون مداحان وشاعران اهل بيت که  با نظارت سازمان تبليغات اسلامي  درسراسر کشورتشکيل گرديده است، اگرتقويت شود و فعال گردد،  به عنوان يک نهاد مردمي وخودجوش مي تواند اين مسؤليت رابه خوبي ايفا نمايد.دستگاههاي فرهنگي، رسانه ملي،  بايدالگوهاي صحيح و مقبولي از مداحي  و مداحان شايسته  به  اين عرصه  معرفي  نمايند . و به  کسانيکه  داراي گرايش هاي غلط وشيوه هاي افراط وتفريطند ميدان ندهند.وشایدبهتراست که جلسات وکلاس های آموزشی خاصی باتوجه به میزان تحصیلات دراین زمینه برای آنها درنظرگرفته شود.وهمچنین می توان به توانمندسازی مبلغان فعال، تدوین بانک محتوای تبلیغی، شبکه‌‌‌سازی مبلغان بر اساس مناطق شهری، طرح کارورزی مبلغان جوان، تقویت مبلغان شبکه مجازی و شبکه‌سازی آن‌‌ها پرداخت.

**ب- حضورپررنگ افراد باسواد**

متاسفانه جلسات مذهبی بانوان،مکانی برای تجملگرایی وخودنمایی وسایر مباحث روز شده است ولذا ازمطلب اصلی وهدف اولیه خود دور گشته است. هدف اصلی از برگزاری جلسات مذهبی ترویج فرهنگ اصیل دینی و بالا بردن سطح سواد فرهنگی جامعه است، واین مطلب کاملا به فراموشی سپرده شده است.

در بعضی از جلسات مذهبی زنانه بار عاطفی محتوای ارائه شده بر معرفت‌افزایی غلبه دارد در حالی که نباید تکیه بر روی روضه صرف باشد بلکه در کنار آن باید تلاش شود که آگاهی‌های دینی مردم افزایش یابد که این آسیب به علت استفاده از افرادی که سواد دینی بالایی ندارد برای روضه‌خوانی به وجود می‌آید.همانطور که در مطالب قبلی آسیب شناسی شد.

دراینجاحضورپررنگ افرادی لازم است که از سطح سواد بالایی برخوردارند.این افراد بدون هیچ اجباری برآنها لازم است وظیفه اصلی ودینی خود بدانندوبرای جلوگیری ازهرگونه آسیب اخلاقی، اجتماعی، واعتقادی قدم بردارند .لذا حضوربیشتری ازطلاب درکناراین جلسات لازم است.طلبه های جوان باکسب آموزش بیشتری در امور مداحی می توانند ازآموخته های خود درجهت آسیب زدایی ازاین جلسات قدم بردارند.در اینجا هیچ گونه اجباربرحوزه های علمیه ازجانب مراکزوسازمان تبلیغات وجود ندارد پس طلبه هاباید در این راه به طور کاملا اختیاری وبا علاغه خود به این راه گام بردارند.

طلبه واژه ای بسیارگرانقدر وپر معنایی می باشد.واژه‌ای است در زبان عربی که جمع مکسر واژه طالب به معنی خواهان و خواستار است.یعنی درواقع کسی اوراملزم به انجام کاری نمی کند.بلکه خودخواستار انجام امورات مربوط به دین است .طلاب دراین راه ووظیفه طلبگی باید ازآسیب های واردشده به دین که درمجالس مذهبی دیده می شود،جلوگیری کنند.

دراینجامناسب است که تعاون وهمکاری دقیق ومعینی مابین طلاب و مراکز تبلیغات اسلامی برقرار شود وعده ای ازطلاب دارای علاقه بدون هیچ اجباری برگزیده شوند وطی کلاس ها وآموزش های لازم برای این امر خطیروضروریآمادگی لازم راکسب کنند .

این مسئله مهم،یعنی مجالس مذهبی بانوان می تواند ضربه خطرناکی رابه پیکره دین مردم وارد کند وازطریق بانوان به قلب خانواده وتربیت فرزندان وارد شود.

پاداش اصلی کسانی که دراین راه قدم برمی دارند به دنیا ومسائل مادی برنمی گردد بلکه پاداشی بزرگ تری در انتظار آنهاست وهمین مشوق اصلی برای ثبات دراین راه است.امام صادق –علیه السلام-می فرمایند: **«مَنْ قالَ فینا بَیْتَ شِعْرٍ بَنَی اللّهُ لَهُ بَیْتاً فیِ الْجَنَّةِ ؛ هرکس در راه ما و برای ما یک بیت شعر بسراید ، خداوند برای او خانه ای در بهشت ، بنا می کند. »**[[38]](#footnote-38)چه بسا فرددرراه معرفت افزایی وتبلیغ دین گام برداردمسلما اجر بیشتری دارد.

شاید بهتر باشد در مورد افرادی که سوادکمتری دارند اما چندسالی است به عشق ائمه در این راه زحمت کشیده اند بی انصافی نشودوآنهاراتحت شناسایی کرد وتحت تعلیم بیشتری قرارداد تاسواد معرفت افزایی آنهابیشتر شود.

**ج- ارائه‌ي الگويي از جلسات مفيد و کارآمد**

فقط مسئله مقابله باآسیب ها به مراکز ومسئولان برنمی گردد وخود مجالس وافراد شرکت کننده هم موظف به تغییرراه واصلاح آسیب ها هستندومی توان راه ها والگوهایی رابه مجالس ارائه داد تا بتوانند جلساتی مفیدوکر آمد داشته باشند این انتقال می تواند ازطریق کتابها،مجلات وازهمه مهم ترصداوسیماباشد.

بهترین و موفق ترین مجلس، آن مجلسی است که اخلاص در همه­ی عناصر پدید آورنده­ی آن بیشتر باشد و سطح معرفت و پیوند با کتاب آسمانی و اولیای عظیم الشان الهی -علیهم السلام- را افزایش دهد و محبت و عشق و روح تعهد و مسئولیت نسبت به خاندان رسالت و راهشان را عمیق تر کند.

باید توجه داشت که ممکن است بعضی از شیاطینی که با مجالس روضه و عزاداری مخالف هستند، این گونه بحث­های آسیب شناسی را بهانه­ای قرار دهند برای مطامع خودشان و یا بعضی از فریب خوردگان چون حاضر به رفع نقایص نیستند، در مقابل چنین مباحثی جبهه گیری کرده و بگویند این گونه مباحث در جهت تضعیف هیئات مذهبی و مجالس عزاداری می­باشد.

باتوجه داشت که برای حضور پررنگ وبهتره افراد فواید شرکت درجلسات رانیز بیان کردوبااین کاربه تشویق وترغیب آن بپردازیم.حضرت امام حسين -علیه السلام- فرمودند:

«كسي كه به سوي ما بيايد- يعني در مجالس مذهبي حضور يابد، كتاب­هاي مربوط به ما را بخواند و سنت و سيرت ما را بياموزد- از چهار فايده بهره مند مي‌شود:با آيات محكم الهي و جهان بيني و معارف توحيدي آشنا مي‌شود.اگر ادراك عميق معارف ديني میسور او نبود، داستان­هاي عدالت آموز و تعديل امور و قوا را مي‌آموزد.اگر ادراك او در مرحله­ی پایين­تري بود، هماهنگي اجتماعي و آداب برادري و دوستی و آيين داد و ستد را فرا مي‌گيرد.اگر به هيچ يك از اين ها دست نيافت، دست كم از همنشيني با عالمان برخوردار مي‌شود و مشكلاتش را در حضور آنان رفع مي‌كند يا گرفتار مشكلات تازه نمي‌شود.» [[39]](#footnote-39)

و بايد توجه داشت كه عزاداري اگر چه نه از اصول دين است و نه از فروع دين، اما مستحب مؤکدَّی است كه حافظ اصول و فروع دين بوده و در دل خود واجبات فراواني را داشته و بارزترين تجسم عيني تولي و تبري بوده و نتيجه­ی آن احيای اصل امامت كه مايه­ی استحكام اساس دین است مي‌باشد.

پس مجالس مذهبی،باید ازجانب افرادشرکت کننده وبانی آن نیز اصلاح شود وفقط نقش مراکز مربوط درآن تاثیرندارد تاافرادبه عمق اهمیت ،الگوپذیری وفواید آن دست نیابند نمی توانندجلسه ای کارآمد ومفید ارائه دهند.پس آنها نیز درشکل گیری جلسه ای مناسب هم وظیفه ای جدی دارند.

**د - معرّفي و تقدير از مبلّغان و مدّاحان شايسته و جلسات موفق**

تشکیل شناسنامه تبلیغی برای شهرها وایجاد یک نوع شبکه ارتباطی بین مداحان وسخنرانان بسیار دراین راه مقابلهه باآسیب هاکارآمد است.باتشکیل جلسات،همایش ها،شبکه های مجازی می توان ارتباط محکمی بین آنهابرقرار کرد ودراین بین به مناسبت های مختلف می توان به تقدیر از مبلغان پرداخت .واین تقدیربراساس نوع عمکرد محتوایی،تبلیغی،مداحی و.... باشد .وبااین کاراهمیت بیشتر محتوا واصل معرفت وشناخت رانشان داد.

تجربه ثابت کرده است که تقدیر ازافرادموفق درامری باعث ترغیب سایر افراد در آن زمینه می شود وبااین نشان شایستگی فرد مسئله معرفت رادرجود خود وجلسات نهادینه می کند.

بابرگزاری همایش های مختلف مداحان جوان ویامداحان کم سواد می توانند ازتجربه واطلاعات مداحان شایسته برخوردار شوند؛لذا تشکیل جلسات وحضور مداحان دراین جلسات وسخنرانی ها بسیارامری ضروری است تامداحان ومبلغان بااهمیت این موضوع مهم روبه روشوند.

**ه – ارائه مشاوره به بانوان**

بانوان شرکت کننده در مجالس گروه های سنی مختلفی دارند ازجمله مادران ودختران می باشند که تعداد مادران شرکت کننده بیشتراز دختران است .ایجاد محیطی برای دریافت پاسخ سوالات اقشارمختلف زمینه مناسبی برای جذب همه افراد می باشد همچنین خانم هایی که درمجالس شرکت می کنند،نیازمند مشاوره درتمام زمینه ها زندگی مادی ومعنوی هستند.بسیاری از زوج های جوان درابتدای زندگی مشکلات زیادی دارندونیازمند راهنمایی درست هستند ؛جلساتی که همیشگی هستند ودرمناسبتهای مختلف دریک منزلی تشکیل می شود مکان مناسبی برای ایجاد محیط مشاوره ای هستند.

بانوان نسبت به آقایان ازاحساسات بیشتری برخوردارمی باشندودرهرموضوعی به سرعت تصمیم گیری عجولانه وبدون تعقل انجام می دهند.لذاضرورت وجود مشاور درزندگی آنها بیشتراحساس می شودالبته مشاوری که تاییدشده ومذهبی باشد تاافرادرادرراه درست تصمیمات قراردهد.

اسلام به عنوان مكتبى جامع و همه جانبه نگر براى سلامتى روح و روان و سلامتى دينى انسان اهميتى فوق العاده قائل است. از اين رو، با ارائه برنامه و دستورات لازم، تمهيدات لازم را براى تحقق آن فراهم نموده است. يكى از رهنمودهاى ارزشمند اسلام در اين رابطه، توصيه به همفكرى، تبادل نظر و مشورت در امور مختلف خانوادگی ،دینی،اجتماعی و استفاده از تخصص همنوعان در تأمين سلامت روحى، جسمى و توصيه به رعايت موازين اخلاقى و دينى در مشاوره است. امام علی – علیه السلام – در خصوص مشاوره کردن می فرمایند:**«مشاوره كنيد، چون موفقيت در مشاوره است**.» [[40]](#footnote-40)

تعالیم اسلامی به ماتوصیه می کندکه ازافرادخبره ،باتقواوآگاه سوال بپرسیدتاجواب های مطمئنی دریافت کنید.اگر این مشاوره کردن درمجالس قرار گیرد افرادی که فقط جهت مشاوره کرن مراجعه می کنند به مرور زمان به شرکت دراین جلسات روی می آوردوچه بسابه مسائل دینی وائمه –علیه السلام - نیز علاقه پیدا میکنند،واین مشاوره باعث ازبین رفتن مشکلات خانواده ورفع طلاق دربین زوجین کمک می کند.

**نتیجه گیری**

مجالس مذهبی ،مجالسی است که مربوط به دین وشریعت می باشندوپایبندبه آداب ورسوم هستند .علاوه بر حفظ مکتب اهل بیت عامل فوق العاده نیرومندی برای بیداری مردم و ضامن تداوم و بقای اسلام می باشد.اماگاهی این مجالس دچارآفاتی می شوند که نیازمند اصلاح هستند.تاازکجروی دراسلام ودین جلوگیری شود به همین دلیل این مجالس باید آسیب شناسی شوند.

آسیب شناسی مجالس مذهبی در جهت تقویت حقیقی آن­ها است ؛ معنای آسیب شناسی آن است که با شناخت آسیب­ها و رفع آن­ها، مجالس مذهبی بتوانند کار کرد اصلی خود را پیدا کرده و با قوت و قدرت بیشتری از همه­ی ظرفیتشان بهره­برداری شود و همگان بتوانند از ثمرات این شجره­ی طیبه استفاده­ی کافی را ببرند.

شناخت آسیب ها و آفات و اقدام عملی برای برطرف نمودن آن­ها، نوعاً در حین عمل ممکن می­باشد؛ به مرور زمان و به تدریج باید آسیب ها و آفات را شناخت و با شجاعت، اقدام به برطرف کردن آن­ها نمود.این آسیب هاممکن است درمورد مسائل اعتقادی ،اخلاقی واجتماعی باشد،یعنی دراین سه مبحث آسیب هایی را به فردوجامعه واردمی سازد.ازجمله این آسیب ها شامل: تحریفات،خرافه،بدعت،مریدپروری،ریاکاری ، غیبت، تجمل گرایی،توهم موفقیت و....می باشد.

می توان باهمفکری طلاب ،مداحان،سخنرانان ومسئولان مربوطه به ارائه راهکارهای مفیدی دست پیداکردواما آنچه دراین نوشتاربه عنوان راهکار ارائه گردید،شامل: مشاوره،معرّفي و تقدير از مبلّغان ،حضورپررنگ افراد باسواد،ارائه‌ي الگويي از جلسات مفيد و کارآمد،تبلیغ مناسب می باشد.

**منابع**

* قرآن، مکارم شیرازی،دارالقرآن الکریم،تهران،1388.
* نهج البلاغه،علی بن ابی طالب،محمددشتی،امام عصر،جعفری،اول،قم،1387.
* غررالحکم ودررالکلم ،علی بن ابی طالب،عبدالواحدتمیمی آمدی، دفترتبلیغات قم،1366.

1. بلاغي، محمّد عبدالرسول، الشعائر الحسينية العقائديه عبر التاريخ، تهران، بي تا، ،1386.
2. تفليسي، شيخ ابوالفضل حبيش بن ابراهيم، كامل التعبير،قم،دلیل ما،1382 .
3. خاتمی،سیداحمد،چکامه هایی درشیوه عزاداری،سوره مهر،تهران،چهارم،1385.
4. خمینی (ره)، سیدروح الله ، وصیتنامۀ سیاسى ـ الهى امام ، جماران، تهران،1361.
5. دهخدا، علی اکبر ، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران ۱۳۲۵ـ۱۳۶۱ ش.
6. رضوانی،علی اصغر،برپایی مراسم جشن وعزا،مسجدجمکران،قم،سوم،1385.
7. ساروخانى، باقر، درآمدى بر دايرة المعارف علوم اجتماعى، ص 524، انتشارات کیهان، 1370ش.
8. سبحانی،آیت الله جعفر،نظام اخلاقی اسلام، موسسه بوستان کتاب(مرکزچاپ ونشردفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، نهم،1377.
9. سلیمانی،جواد،امام حسین علیه السلام وجاهلیت نو، دفترنشرمعارف، تهران،بهار1382.
10. سیف اللهی ، سیف الله ، مبانی جامعه شناسی ، مرند ، تهران 1373 .
11. شاهرودی،علیرضا،جلوه های عزاداری درتعالیم اهل بیت-علیه السلام-دلیل ما،قم،1390.
12. شجاعی،محمد،عزاداری حقیقی، محیی، قم،پنجم،1385.
13. شريعتي، حفيظ الله ، آيين هاي سوگواري مذهبي هزارگي، مركز تحقيقات رايانه اي قائميه اصفهان، ۱۳92.
14. شیرازی،عبدالحسین دستغیب ، گناهان کبیره، جهان، تهران،بی تا،ششم،1372.
15. صاحبی ،محمد جواد،تفسیرتاریخ سرخ(بررسی انتقادی تاریخ نهضت حسینی) ، پازیه، تهران ،سوم ،1388.
16. صالحان،جعفر، رساله­ی شور و شعور، زمان،تهران، اول، پائیز 1388.
17. صدری،مهدی،عزاداری رمزمحبت، دلیل ما، قم،اول،پاییز1393.
18. طباطبایی، محمدحسین ،المیـزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران ، 1362.

طبرسی، رضی الدین ابی نصر الحسن بن الفضل ، مکارم الأخلاق ،الشریف الرضی ، قم ، 1368.

1. طریحی،‌فخرالدین ، مجمع‌ البحرین‌، ج۱، ص۱۶۴، به‌ کوشش‌ محمود عادل‌، تهران‌، ۱۳۶۷ه- ش‌.
2. عاملى، **محمد بن حسن بن على بن محمد بن حسین**(شيخ حر)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت (ع) ،قم، 1367 .
3. فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، بدر، تهران 1363.
4. قرائتی،محسن،دقایقی باقرآن،معاونت فرهنگی واجتماعی سازمان اوقاف و امورخیریه، تهران، سوم، خرداد1392
5. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه،مشهور به شیخ صدوق من لا یحضره الفقیه ، محمدجوادغفاری ، تهران دارالکتب الاسلامیه ،1385.
6. قمی، ابن بابویه ابی جعفرمحمدبن علی بن الحسین -شیخ صدوق - ، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، دوم، 1361.
7. قهرمانی نژاد،بهاء الدین،مباحثی پیرامون عزاداری، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران،دوم،1386.
8. کاویانی،محمد،روان شناسی عزاداری ،مرکزتحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.1390.
9. [کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق](http://hadith.ahlolbait.com/node/2001) ، اصول کافی ،ناشردارالکتب الاسلامیه،تهران،1371.
10. مجلسى،محمدباقر بن محمدتقی ، بحار الانوار ، مؤسسة الوفاء، بیروت، دوم، ۱۳۶۲.
11. محدثی،جواد،پیامهای عاشورا، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه درسپاه، تهران،اول ،1377.
12. محمدی ری شهری،محمد،میزان الحکمه،حمیدرضاشفیعی،دارالحدیث،1386.
13. مطهری،مرتضی،حماسه حسینی 1و2،انتشارات صدرا،اردیبهشت1388.
14. مطهری ،مرتضی ،سیری در سیره نبوی،صدرا ،ششم، 1368 .
15. مکارم شیرازی،ناصر، اخلاق در قرآن ،امام علی بن ابیطالب (ع)، قم ، 1378.
16. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه ،دارالکتاب اسلامیه،تهران،سی ودو،1374.
17. مهدوی یگانه،مرتضی،گریه برسالارشهیدان چرا؟، دفترنشروفرهنگ اسلامی، تهران،سوم،1388.
18. نوری، محمد،نگاهي به فرهنگ سوگواري، مرکزتحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.1391.
19. ورام بن ابی فراس المالکی الاشتری، ابی الحسین، تنبیه الخواطر و نزهه النوادر ، مجموعه ورام ، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه،1382.
20. وطنی،منصوره،حقوق و وظایف زن وشوهر،زائرآستان مقدسه،قم،1388.
21. هندى ،علاء الدین على بن عبد الملک ابن قاضى خان قادرى شاذلى ،(علاء الدین على متقى هندى) ، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1382.

1. - غررالحکم ودررالکلم ،علی بن ابی طالب،عبدالواحدتمیمی آمدی، دفترتبلیغات قم،1366.ص 431، شماره­ی 9843. [↑](#footnote-ref-1)
2. الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۶۳۵ [↑](#footnote-ref-2)
3. بحارالانوار ،محمدباقر بن محمدتقی مجلسى ، مؤسسة الوفاء، بیروت، دوم، ۱۳۶۲. ج 44 ، ص 278 [↑](#footnote-ref-3)
4. اغلب کتب لغت همین معنارارسانده اند. [↑](#footnote-ref-4)
5. [اصول کافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق](http://hadith.ahlolbait.com/node/2001) کلینی، ناشردارالکتب الاسلامیه،تهران،1371.جلد1،صفحه141. [↑](#footnote-ref-5)
6. قرآن،مکارم شیرازی،دارالقرآن کریم،تهران،1388،آل عمران/11. [↑](#footnote-ref-6)
7. مجمع‌ البحرین‌، فخرالدین طریحی‌، به‌ کوشش‌ محمود عادل‌، تهران‌، ۱۳۶۷ه- ش‌،ج۱، ص۱۶۴. [↑](#footnote-ref-7)
8. بحارالانوار، ج75، ص92، ح98. [↑](#footnote-ref-8)
9. حدید/27. [↑](#footnote-ref-9)
10. بحار الأنوار: ج69، ص216، ح8. [↑](#footnote-ref-10)
11. نهج البلاغه ،علی بن ابی طالب،محمددشتی،امام عصر،جعفری،اول،قم،1387،حکمت117. [↑](#footnote-ref-11)
12. تفسیرنمونه، ناصرمکارم شیرازی، تفسیر نمونه ،دارالکتاب اسلامیه،تهران،سی ودو،1374.ج9،ص312. [↑](#footnote-ref-12)
13. كامل التعبير ، شيخ ابوالفضل حبيش بن ابراهيم تفليسي،قم،دلیل ما،1382 ،ص32. [↑](#footnote-ref-13)
14. محمّد عبدالرسول بلاغي، الشعائر الحسينية العقائديه عبر التاريخ، لندن، بي تا، 1386،ص 115 – 92. [↑](#footnote-ref-14)
15. حج/3. [↑](#footnote-ref-15)
16. - كافي؛ ج 1 ص 39. [↑](#footnote-ref-16)
17. - بحار الانوار؛ ج1 ص175. [↑](#footnote-ref-17)
18. - مطهری ،مرتضی ،سیری در سیره نبوی،صدرا ،ششم، 1368 ، ص 59-58. [↑](#footnote-ref-18)
19. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدین على بن عبد الملک ابن قاضى خان قادرى شاذلى هندى ، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1382.حديث 52175 ،جلد 3، صفحه 16. [↑](#footnote-ref-19)
20. تنبیه الخواطر و نزهه النوادر ، مجموعه ورام، ابی الحسین ورام بن ابی فراس المالکی الاشتری،تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه،1382.تنبيه الخواطر،صفحه 362. [↑](#footnote-ref-20)
21. سوره نساء،آيه 142. [↑](#footnote-ref-21)
22. كافى، جلد 2، صفحه 296. [↑](#footnote-ref-22)
23. بحارالانوار، جلد 75، صفحه 374. [↑](#footnote-ref-23)
24. غرر الحكم، صفحه 216، شماره 4252. [↑](#footnote-ref-24)
25. حجرات،12. [↑](#footnote-ref-25)
26. اصول كافى، جلد 2، صفحه 357. [↑](#footnote-ref-26)
27. من لا یحضره الفقیه ،ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه،مشهور به شیخ صدوق ، محمدجوادغفاری ، تهران دارالکتب الاسلامیه ،1385، ج3، ص 276. [↑](#footnote-ref-27)
28. غررالحکم و دررالکلم، ح 447. [↑](#footnote-ref-28)
29. كنز العمّال،41143. [↑](#footnote-ref-29)
30. گناهان کبیره، عبدالحسین دستغیب شیرازی، جهان، تهران،بی تا،ششم،1372.ج 2، ص 103. [↑](#footnote-ref-30)
31. اعراف/29. [↑](#footnote-ref-31)
32. - وسائل الشیعه، **محمد بن حسن بن على بن محمد بن حسین**(شيخ حر) عاملى، مؤسسه آل البيت (ع) ،قم، 1367 ، ج 6 ص32. [↑](#footnote-ref-32)
33. - مکارم الاخلاق؛ رضی الدین ابی نصر الحسن بن الفضل طبرسی ،قم ،الشریف الرضی ، 1368. ص 143. [↑](#footnote-ref-33)
34. - بحار الانوار؛ ج 75 ص 4. [↑](#footnote-ref-34)
35. وصیتنامۀ سیاسى ـ الهى ،جماران ،تهران،1361. [↑](#footnote-ref-35)
36. غررالحکم،6009. [↑](#footnote-ref-36)
37. فصلت،33. [↑](#footnote-ref-37)
38. وسائل الشیعه ، ج 10 ، ص 467. [↑](#footnote-ref-38)
39. - بحارالانوار؛ ج 44 ص 195. [↑](#footnote-ref-39)
40. غررالحكم و دررالكلم ، ج2، ص670، ح 10052. [↑](#footnote-ref-40)